

بررسی تحولات بازار کار ایران طی دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۳

معاونت پژوهش‌های اقتصادی

کد موضوعی: ۲۲۰
شماره مسلسل: ۱۷۴۷۷
اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. سه دوره بازار کار ایران.....
۶.....	۲. بررسی تحولات بازار کار ایران در دوره سوم.....
۶.....	۲-۱. جمعیت فعال و نرخ مشارکت.....
۱۲.....	۲-۲. جمعیت شاغل.....
۱۳.....	۲-۲-۱. ویژگی‌های شاغلان اضافه شده به بازار کار.....
۱۶.....	۲-۲-۲. ویژگی‌های مشاغل اضافه شده.....
۲۲.....	۲-۳. بیکاری.....
۲۶.....	جمع‌بندی.....



بررسی تحولات بازار کار ایران

طی دوره ۱۳۹۳-۱۳۹۸

چکیده

بررسی روند شاخص‌های اصلی بازار کار از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۸، نشان‌دهنده سه دوره متفاوت از تحولات این بازار است. دوره اول تحولات بازار کار (۱۳۷۶-۱۳۸۴) که در آن رشد تعداد شاغلان با متوسط سالیانه ۷۲۶ هزار نفر همراه بوده است. دوره دوم (۱۳۸۴-۱۳۹۳) که در آن روند صعودی تعداد شاغلان متوقف شد و دوره سوم (۱۳۹۳-۱۳۹۸) که همراه با روند کاملاً صعودی در جمعیت فعال و تعداد شاغلان بوده است. در این گزارش ابعاد مختلف و جزئیات تحولات دوره سوم یعنی ۲۲ فصل منتهی به زمستان سال ۱۳۹۸ - که دوره جدیدی در بازار کار کشور است - بررسی شده است.

نقطه شروع تحولات دوره مورد بررسی فصل پاییز سال ۱۳۹۳ است؛ از پاییز ۱۳۹۳ به بعد، به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل از آن بیش از ۷۰۰ هزار نفر به جمعیت فعال اضافه شده‌اند. به این معنا که با برآورد مقادیر سالیانه، طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ حدود ۳/۵ میلیون نفر به جمعیت فعال کشور افزوده شده که در مقایسه با عدم افزایش جمعیت فعال در دهه قبل از آن، بسیار قابل توجه است. مشخصه اصلی این دوره تغییر تصمیم‌جوانان برای ورود به بازار کار و خارج نمودن از بازار کار به‌منظور تحصیلات، خانه‌داری یا علل دیگر است. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت طی این بازه زمانی، تحولی است که زنان، جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی و متولدین دهه ۷۰ نقش پُرننگی در ایجاد آن داشته‌اند، همچنین تحول یاد شده پدیده‌ای عمدتاً شهری است که با وجود فراگیر بودن آن در کل کشور، در برخی استان‌ها شدت این تغییرات به‌مراتب بیش از استان‌های دیگر بوده است.

تحول اساسی‌تر طی این دوره آن است که حدود ۸۵ درصد جمعیت اضافه شده به جمعیت فعال، شاغل شده‌اند. طی این دوره به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۶۲۱ هزار نفر به جمعیت شاغل اضافه شده است (۳ میلیون نفر در طول دوره). بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد افزایش اشتغال طی این دوره عمدتاً در بخش خدمات و بنگاه‌های بسیار کوچک (دارای کمتر از چهار نفر کارکن) و با وضعیت شغلی «کارکن مستقل» و فاقد قرارداد به‌معنای متعارف بوده است که سهم کمتری از این اشتغال ایجاد شده (نسبت به گذشته) دارای پوشش بیمه به‌واسطه شغل خود بوده‌اند و سهم بیشتری (نسبت به گذشته) دارای اشتغال ناقص هستند و تمایل دارند شغل تمام

وقت داشته باشند. بنابراین اشتغالی که طی دوره مورد بررسی محقق شده، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با ترکیب اشتغال کشور در دوره‌های قبل دارد؛ زیرا از یک‌سو شاهد حضور پُرنرگ‌تر زنان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در بازار کار هستیم و از سوی دیگر اشتغال ایجاد شده اشتغالی است که نه توسط بخش دولتی یا شرکتی و کارخانه‌ای، بلکه توسط بخش غیرشرکتی و با تمرکز بر خدماتی مانند خُرده‌فروشی و عمده‌فروشی، تعمیرات، حمل‌ونقل، واسطه‌گری، خدمات مواد غذایی و... ایجاد شده است. به‌نظر می‌رسد جوانان کشور به‌واسطه نیاز برای تأمین معیشت و در دوره‌ای که تقاضای نیروی کار توسط شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متوسط و بزرگ بسیار محدود بوده است، خود اقدام به ایجاد مشاغل و ارائه خدماتی برای گذران زندگی خود نموده‌اند.

موضوع قابل توجه در این دوره شدت بیشتر افزایش نرخ مشارکت و افزایش جمعیت فعال نسبت به افزایش جمعیت شاغل است که منجر به افزایش نرخ بیکاری در برخی از سال‌های این دوره شده، برای مثال در فصل زمستان سال ۱۳۹۶ نرخ بیکاری کل به بالای ۱۲ درصد و نرخ بیکاری جوانان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در برخی استان‌های کشور به ارقام نامتعارف بالای ۵۰ درصد رسید.

در سال‌های آخر این دوره، همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد به‌تدریج شاهد کاهش توان اشتغال‌زایی اقتصاد با این نوع از اشتغال بودیم و بحران کرونا سبب شد که روند اشتغال‌زایی اقتصاد ایران در این دوره دفتراً متوقف شود و به‌نوعی دوره سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ بازار کار کشور به پایان برسد. افزایش نرخ مشارکت، جمعیت فعال و جمعیت شاغل با وضعیت شغلی «کارکن مستقل» و فاقد قرارداد به‌معنای متعارف و پوشش بیمه، وضعیت بازار کار را در وضعیت ناپایداری قرار داده که هزینه سیاست‌گذاری نادرست در این بازار را به‌شدت افزایش داده و نیازمند توجه جدی است.

مقدمه

طی چند سال اخیر بازار کار کشور با سرعت زیادی در حال تغییر و تحول بوده است؛ افزایش تعداد شاغلان در ابعادی فراتر از انتظار، در کنار افزایش سریع نرخ مشارکت، شرایط متفاوتی نسبت به سال‌های نیمه دوم دهه ۸۰ تا ابتدای دهه ۹۰ را در بازار کار رقم زد. زیرا طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ خالص تغییرات اشتغال سالیانه بسیار پایین بود و کاهش نرخ مشارکت نیز سبب می‌شد با وجود عدم افزایش تعداد شاغلان، نرخ بیکاری افزایش نیابد. بنابراین افزایش تعداد شاغلان و نرخ مشارکت طی پنج سال اخیر کاملاً در خلاف جهت تحولات یک دهه قبل از آن قرار دارد. به‌خصوص در شرایط اقتصادی سال‌های اخیر، مشاهده روند افزایشی تعداد شاغلان، سبب بروز سؤال‌ها و ابهاماتی درخصوص چگونگی تحقق آن شده است.



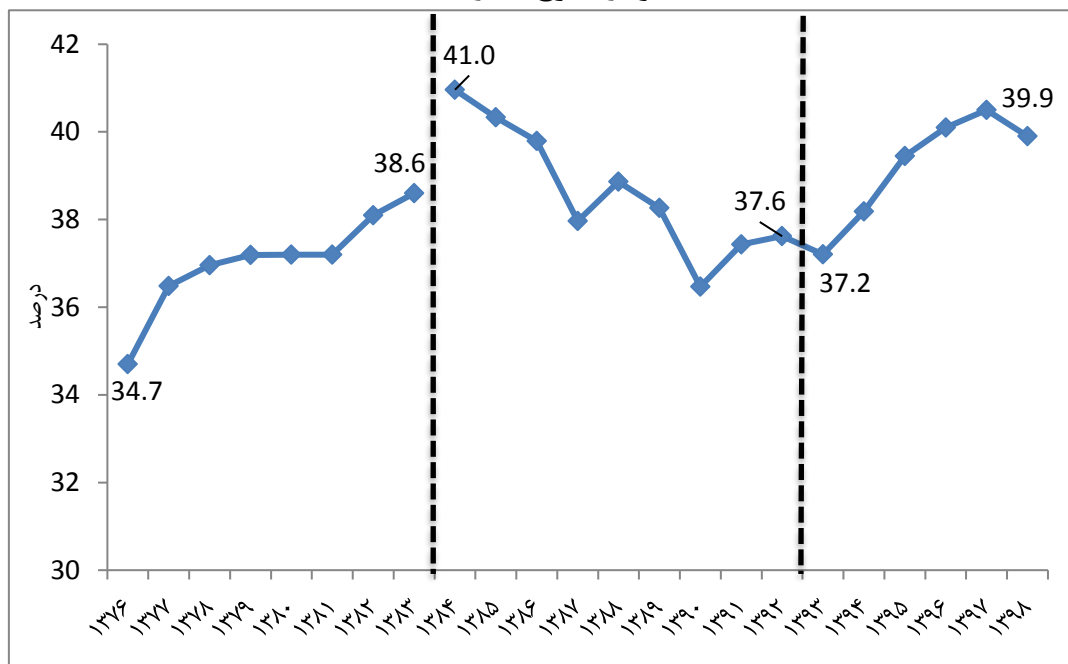
با توجه به چنین تحولات شتابان و مهمی در بازار کار، تمرکز بیشتر بر تحلیل تحولات کوتاه‌مدت این بازار می‌تواند حاوی اطلاعات ارزشمند و حتی رفع‌کننده ابهام‌ها و برخی سؤالات موجود باشد. بر این اساس در گزارش حاضر، در ادامه گزارش پیشین که پاییز ۱۳۹۳ تا زمستان ۱۳۹۶ را مورد بررسی قرار می‌داد،^۱ به مطالعه تغییرات بازار کار در سال‌های اخیر می‌پردازد. همان‌طور که توضیح داده شد سؤالات و ابهامات زیادی درخصوص تحولات اخیر بازار کار وجود دارد. از این‌رو در دو گزارش اخیر تلاش شده است با آگاهی نسبت به سؤالات و ابهامات موجود درباره تحولات کوتاه‌مدت بازار کار، خروجی‌هایی مناسب برای پاسخگویی به آنها استخراج شود. در گزارش حاضر مانند گزارش قبل تمرکز اصلی بر ویژگی‌های جمعیت شاغل افزوده شده به بازار کار در پنج سال گذشته است. بدین معنا که افزایش جمعیت در چه گروه‌هایی (جنسیت، تحصیلات و سن) رخ داده و ویژگی‌های شغلی شاغلان جدید از منظر دارا بودن بیمه، بخش اقتصادی، اشتغال ناقص، اندازه بنگاه و وضعیت شغلی (کارفرما، کارکن مستقل، حقوق‌بگیر و...) در مقایسه با ساختار بازار کار کشور چگونه بوده است.

۱. سه دوره بازار کار ایران

بازار کار ایران از زمانی که آمارهای آن به‌صورت یکپارچه و فصلی گردآوری می‌شود (از سال ۱۳۷۶ تاکنون) سه دوره متفاوت داشته است؛ دوره‌هایی که شاخص‌های اصلی بازار کار، روندهای کاملاً متفاوتی را طی کرده‌اند. در نمودارهای ۱ و ۲ که به‌ترتیب نرخ مشارکت در بازار کار و تعداد شاغلان کل کشور را نشان می‌دهند، می‌توان به‌وضوح تمایز این سه دوره متفاوت را تشخیص داد:

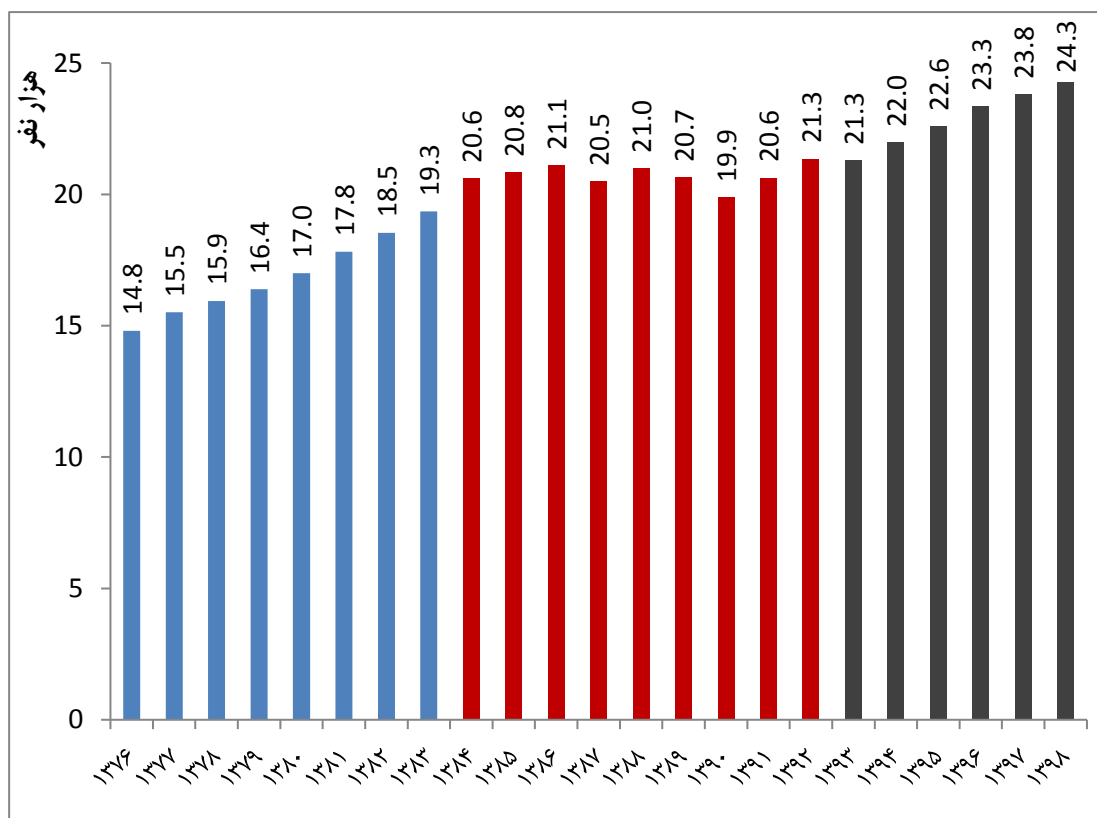
۱. مهران بهنیا و نورا بهنیا، بررسی تحولات مهم بازار کار ایران در دوره پاییز ۱۳۹۳ تا زمستان ۱۳۹۶، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۶۰۲۰، شهریورماه ۱۳۹۷.
۲. از آنجایی که از سال ۱۳۸۴ طرح آمارگیری از بازار کار تغییر می‌کند، نمودار ۱ بین سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ منقطع رسم شده است.

نمودار ۱. نرخ مشارکت



مأخذ: محاسبات محقق از داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار - مرکز آمار ایران.

نمودار ۲. تعداد شاغلان





دوره اول تحولات بازار کار از سال ۱۳۷۶ آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۸۴ ادامه می‌یابد. طی این دوره تعداد شاغلان کل کشور از ۱۴/۸ میلیون نفر به ۲۰/۶ میلیون نفر می‌رسد. بدین معنا که طی این دوره حدود ۵/۸ میلیون نفر (به‌طور متوسط سالیانه ۷۲۶ هزار نفر) به جمعیت شاغل افزوده می‌شود. نرخ مشارکت نیز از ۳۴/۷ درصد به ۴۱ درصد می‌رسد. در این دوره که بسیاری از شاخص‌های اقتصادی در روندهای مثبتی قرار می‌گیرند، تحولات بازار کار نیز هم‌جهت با آنها قرار دارد. به‌خصوص آنکه تحولات بخش تولید و سرمایه‌گذاری هم‌راستا با تحولات بازار کار تغییر می‌کند و رشد اقتصادی متوسط سالیانه ۴/۴ درصد در این دوره با رشد تعداد شاغلان با متوسط سالیانه ۷۲۶ هزار نفر همراه می‌شود.

در دوره دوم، یعنی فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ روند صعودی تعداد شاغلان متوقف می‌شود و تفاوت تعداد شاغلان در ابتدا و انتهای این دوره حدود ۷۰۰ هزار نفر است. در دوره دوم شاهد افزایش قابل توجه جمعیت غیرفعال هستیم، زیرا متولدین دهه ۶۰ در این دوره به جمعیت در سن کار اضافه می‌شوند، اما به دلیل شرایط اقتصادی این دوره و توسعه آموزش عالی بخش عمده‌ای از این افراد به‌جای ورود به بازار کار (اضافه شدن به جمعیت فعال) به جمعیت غیرفعال اضافه می‌شوند. بنابراین در این دوره بیش از ۶ میلیون نفر به جمعیت غیرفعال افزوده می‌شوند در حالی که جمعیت فعال کمتر از ۶۰۰ هزار نفر افزایش می‌یابد. این موضوع سبب می‌شود نرخ مشارکت از ۴۱ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۷ درصد در سال ۱۳۹۲ برسد. در این دوره با وجود اینکه رشد اقتصادی روندی تقریباً نزولی را طی می‌کند و در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ رشد اقتصاد منفی می‌شود، اما میانگین رشد اقتصادی این دوره نیز بیش از ۴ درصد است. با وجود این جمعیت فعال تقریباً ثابت باقی می‌ماند. لذا در این دوره یک ناهمخوانی بین رشد اقتصادی و تحولات بازار کار دیده می‌شود.

اما در دوره سوم که این گزارش به بررسی آن می‌پردازد، تحولات متفاوتی از هر دو دوره قبلی رخ می‌دهد. دوره سوم در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ قرار دارد. در این دوره - برخلاف دوره دوم - یک روند کاملاً صعودی در تعداد شاغلان مشاهده می‌شود و افزایش اشتغال در تمامی فصول (هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل) رخ می‌دهد. این تحولات در اشتغال در شرایطی رخ داده که در این دوره نرخ رشد اقتصادی منفی و نزدیک به صفر و نرخ سرمایه‌گذاری منفی است. در این دوره ۴/۳ میلیون نفر به جمعیت در سن کار افزوده شده است که از این تعداد ۳/۵ میلیون نفر به جمعیت فعال و باقی به جمعیت غیرفعال^۱ اضافه شده است. از ۳/۵ میلیون جمعیت فعال نیز حدود ۳ میلیون نفر به جمعیت شاغل و مابقی به جمعیت بیکار افزوده شده است. همچنین نرخ مشارکت نیز مجدداً روندی صعودی را در پیش می‌گیرد و ۳ واحد درصد افزایش می‌یابد. تعداد بیکاران نیز به دلیل افزایش قابل توجه جمعیت فعال و نرخ مشارکت افزایش می‌یابد. اما با بروز کرونا در انتهای سال ۱۳۹۸ و براساس آمارهایی که از تحولات

۱. جمعیت غیرفعال اقتصادی تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع طبق تعریف، در هیچ یک از دو گروه شاغلان و بیکاران قرار نمی‌گیرند، جمعیت غیرفعال اقتصادی محسوب می‌شوند.

بازار کار در فصل بهار سال ۱۳۹۹ منتشر شده، به‌نظر می‌رسد دوره سوم نیز به پایان رسیده است. بنابراین زمان مناسبی است که با تدقیق در آمارهای بازار کار به شناخت بهتری از آنچه طی چند سال اخیر در میزان و ترکیب جمعیت شاغل، غیرفعال و بیکار رخ داده است، برسیم.

۲. بررسی تحولات بازار کار ایران در دوره سوم

در ادامه گزارش تحولات بازار کار در دوره سوم در سه بخش: ۱. جمعیت فعال و نرخ مشارکت، ۲. جمعیت شاغل و ۳. بیکاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. جمعیت فعال^۱ و نرخ مشارکت^۲

یکی از اصلی‌ترین تحولات سال‌های اخیر، تغییر جهت نرخ مشارکت از نیمه سال ۱۳۹۳ است. نرخ مشارکت اقتصادی در ایران از نیمه دهه ۷۰ روندی افزایشی را آغاز کرد و تا سال ۱۳۸۴، این روند افزایشی ادامه یافت، به‌طوری که بیشترین نرخ مشارکت کشور در سال ۱۳۸۴ رقم خورد و این نرخ به ۴۱ درصد رسید. اما از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۳ نرخ مشارکت روند کاهشی را آغاز می‌کند (نمودار ۱) و ۴ درصد از نرخ مشارکت در این مدت کاسته می‌شود. از پاییز سال ۱۳۹۳ این روند معکوس شده و با شتاب نسبتاً زیادی، نرخ مشارکت روندی صعودی را آغاز کرده است و در سال ۱۳۹۷ به کمترین فاصله از بیشینه نرخ مشارکت در اقتصاد ایران (۴۱ درصد در سال ۱۳۸۴) می‌رسد.

همان‌طور که توضیح داده شد نقطه عطف تغییر نرخ روند نرخ مشارکت، پاییز سال ۱۳۹۳ است. تا پیش از آن نرخ مشارکت با وجود نوسانات فصلی، در تداوم روند نزولی خود که از سال ۱۳۸۴ آغاز شده بود، قرار داشت. اما از پاییز سال ۱۳۹۳ به بعد این روند به کلی تغییر می‌کند. در نمودار ۳ این تغییر به‌نحو بهتری نشان داده شده است. نمودار ۳ افزایش جمعیت فعال در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل از آن را نشان می‌دهد. تا پیش از پاییز ۱۳۹۳ جمعیت فعال در دوره‌ای افزایش و در دوره‌ای دیگر کاهش می‌یافت. اما از پاییز ۱۳۹۳ به بعد و به مدت ۲۱ فصل، در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل از آن، جمعیت فعال افزایش یافته است (بجز فصل آخر که تحت تأثیر گسترش ویروس کرونا جمعیت فعال کاهش یافت). لذا این تغییرات را نمی‌توان به‌عنوان نوسانات دوره‌ای، مانند نوسانات سال‌های قبل از آن، تفسیر کرد. بلکه از پاییز سال ۱۳۹۳ یک تغییر بنیادی در بازار کار کشور بروز کرده

۱. جمعیت فعال اقتصادی: تمام افراد در سن کار یعنی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر)^۱ که در هفته تقویمی قبل از هفته آمارگیری (هفته مرجع) طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده‌اند (بیکار) جمعیت فعال اقتصادی محسوب می‌شوند.

۲. نرخ مشارکت اقتصادی: عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) به جمعیت در سن کار، ۱۰ ساله و بیشتر (یا ۱۵ ساله و بیشتر) ضرب در ۱۰۰.

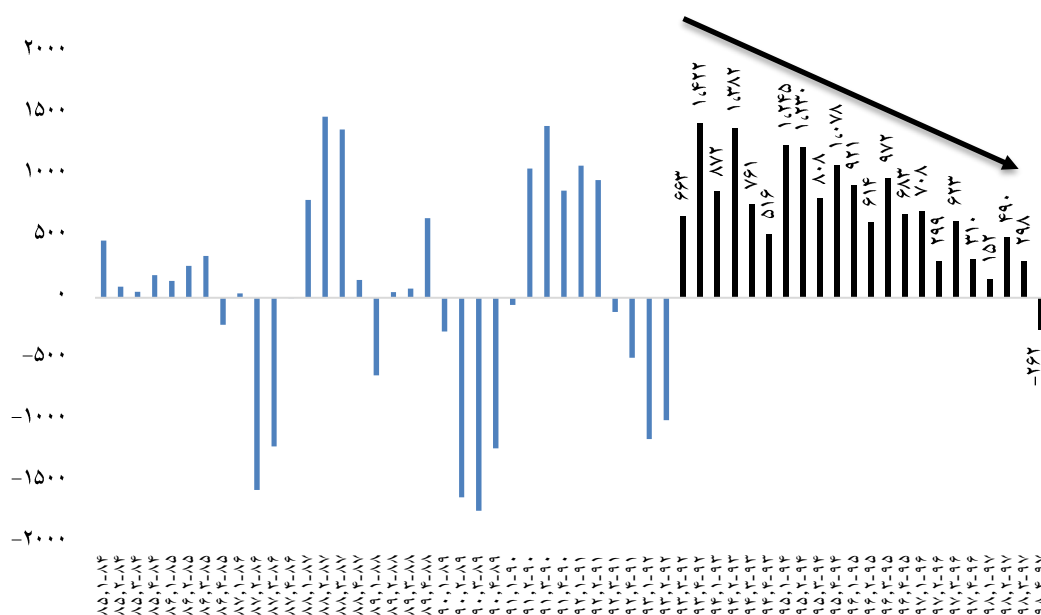
جمعیت فعال
جمعیت در سن کار = نرخ مشارکت



است که می‌توان از آن به‌عنوان دوره‌ای جدید یاد کرد. دوره‌ای که مشخصه آن تغییر تصمیم جوانان برای ورود به بازار کار و خارج نمودن از بازار کار به‌منظور تحصیلات، خانه‌داری یا علل دیگر است. طی فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ به‌طور متوسط در هر فصل بیش از ۷۰۰ هزار نفر به جمعیت فعال اضافه شده‌اند. بدین معنا که طی پنج سال منتهی به زمستان سال ۱۳۹۸، حدود ۳/۵ میلیون نفر به جمعیت فعال کشور افزوده شده که در مقایسه با عدم افزایش جمعیت فعال در دوره قبل از آن افزایش قابل ملاحظه‌ای است.

نکته کلیدی در این نمودار روند کاهشی رشد جمعیت فعال در دوره مورد بررسی است. بدین معنا که به‌تدریج میزان افزایش جمعیت کمتر و کمتر می‌شود تا با شوک کرونا این افزایش متوقف می‌شود. بنابراین همان‌طور که در گزارش قبلی پیش‌بینی شده بود این روند به‌تدریج در حال متوقف شدن بود، حتی اگر همه‌گیری کرونا رخ نمی‌داد. اما با بروز کرونا این روند دفعته قطع شد.

نمودار ۳. افزایش جمعیت فعال در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل (هزار نفر)

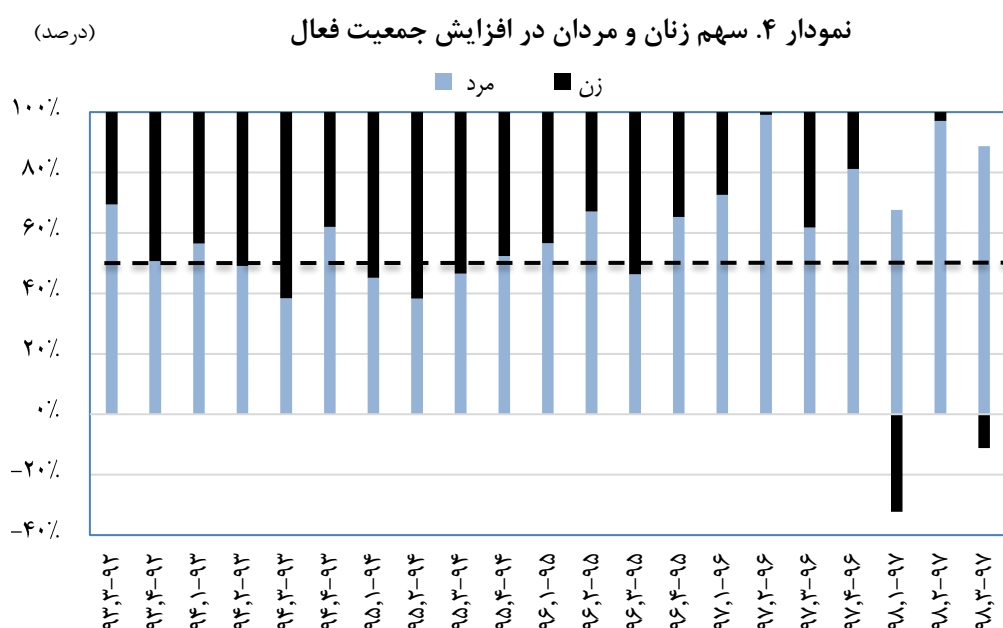


مأخذ: محاسبات محقق از داده‌های طرح آمارگیری از نیروی کار - مرکز آمار ایران.

مشاهده موج ورود جمعیت فعال به بازار کار و افزایش نرخ مشارکت این سؤال را در پی دارد که افزایش جمعیت فعال ناشی از ورود چه گروه‌هایی به بازار کار بوده است؟ در این خصوص چهار ویژگی مورد بررسی قرار گرفته است؛ ۱. جنسیت، ۲. شهری یا روستایی بودن افراد، ۳. افراد دارای تحصیلات دانشگاهی یا افراد غیردانشگاهی و ۴. گروه‌های سنی. درواقع در این قسمت نشان داده می‌شود که افزایش جمعیت فعال در ۲۲ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ عمدتاً ناشی از ورود چه افرادی به بازار کار بوده

است؟ در این خصوص لازم است دو موضوع از یکدیگر تفکیک شود؛ ۱. ساختار بازار کار کشور از نظر ویژگی‌های نامبرده و ۲. ترکیب جمعیت فعال اضافه شده به بازار کار از منظر ویژگی‌های مذکور. بدین معنا که در قسمت‌های آتی برای آنکه تصویر روشنی از تحولات بازار کار کشور در فصول اخیر ارائه شود، ویژگی‌های جمعیت فعال «اضافه شده به بازار کار» با ویژگی‌های ساختاری بازار کار طی دهه قبل از فصول اخیر مورد مقایسه قرار می‌گیرد. این مقایسه می‌تواند نشانگر تحولات خاص دوره اخیر باشد.

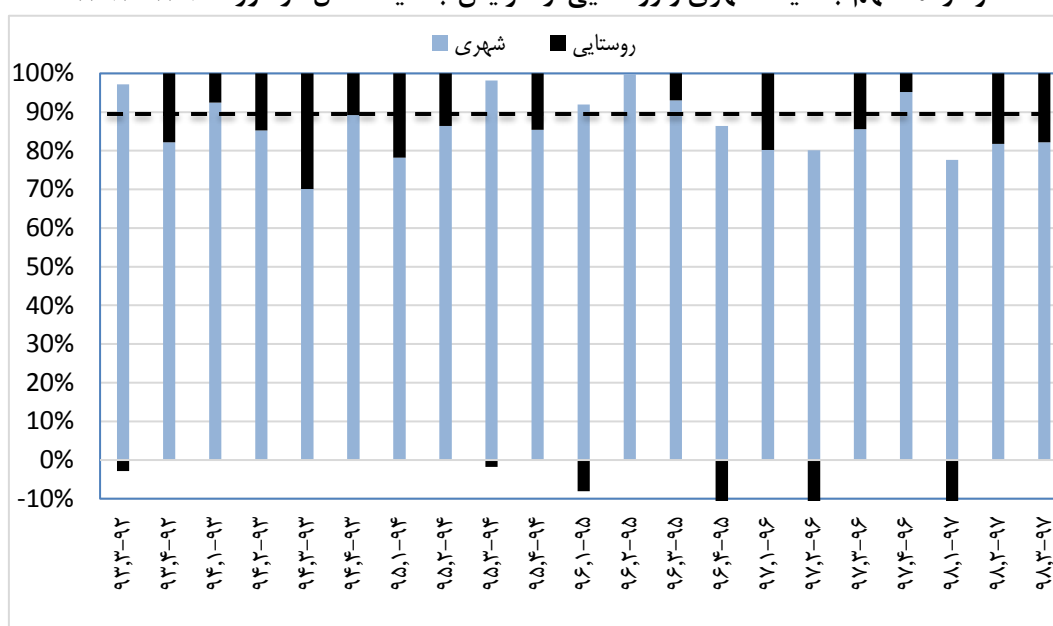
۱. جنسیت: ساختار بازار کار کشور از نظر جنسیتی بسیار نامتقارن است. به‌طوری‌که زنان همواره کمتر از ۲۰ درصد جمعیت فعال را تشکیل داده‌اند. طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ به‌طور متوسط ۱۸/۲ درصد از جمعیت فعال را زنان تشکیل داده‌اند.^۱ اما ترکیب جنسیتی جمعیت افزوده شده به جمعیت فعال طی ۲۲ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ کاملاً متفاوت از ساختار جنسیتی بازار کار کشور است. نمودار ۴ نشان می‌دهد طی ۲۲ فصل اخیر تقریباً نیمی از جمعیت اضافه شده به جمعیت فعال، زنان بوده‌اند (بجز چند فصل پایانی که افزایش جمعیت فعال به کمترین میزان خود در این دوره رسیده بود). حتی در برخی فصول سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، ۶۰ درصد جمعیت فعال جدید را زنان تشکیل داده‌اند. این موضوع نشان از تغییر ساختار جنسیتی بازار کار ایران طی سال‌های آتی دارد.





۲. **شهری - روستایی:** ترکیب جمعیت فعال کشور به تفکیک شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ بدین ترتیب بوده که به‌طور متوسط ۳۰ درصد از جمعیت فعال کشور را جمعیت روستایی تشکیل می‌داده است.^۱ اما در این خصوص نیز تحولات سال‌های اخیر متفاوت از ساختار بازار کار در گذشته بوده است. طی ۲۲ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ بیش از ۹۰ درصد افراد اضافه شده به جمعیت فعال در مناطق شهری سکونت داشته‌اند (نمودار ۵). این موضوع سبب خواهد شد با سرعت بیشتری سهم جمعیت شهری از جمعیت فعال در سال‌های آتی افزایش یابد.

نمودار ۵. سهم جمعیت شهری و روستایی از افزایش جمعیت فعال در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۳



مأخذ: همان.

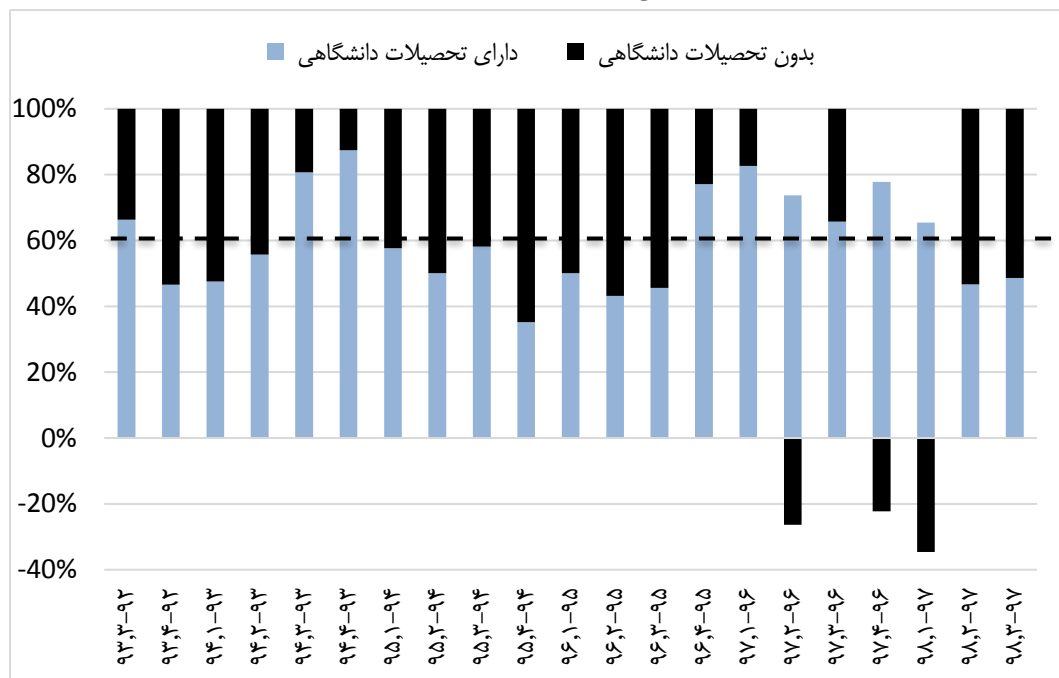
۳. **افراد دارای تحصیلات دانشگاهی - افراد غیردانشگاهی:** در ترکیب تحصیلی افراد نیز یک تغییر اساسی در ورود به بازار کار رخ داده است. با وجود آنکه طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ تعداد دانشجویان کشور با رشد بسیار بالایی نزدیک به سه برابر شد، اما اثر این موضوع در بازار کار منعکس نشد. زیرا بخش اصلی این جمعیت به بازار کار وارد نشدند. لذا طی دهه مذکور، کمتر از ۲۰ درصد جمعیت فعال کشور را افراد دارای تحصیلات دانشگاهی تشکیل می‌دادند.^۲ اما در فصول اخیر که جمعیت فعال روندی افزایشی داشته، ترکیب تحصیلی جمعیت وارد شده به بازار کار تغییر اساسی کرده است، به‌نحوی که در پنج سال مورد بررسی، بیش از ۶۰ درصد افزایش جمعیت فعال را افراد دارای تحصیلات دانشگاهی

۱. همان.

۲. همان.

تشکیل می‌دهند، حتی در برخی فصول جمعیت فعال بدون تحصیلات دانشگاهی کاهش یافته است (نمودار ۶). این تحولات ساختار تحصیلی بازار کار کشور را در آستانه تغییرات مهمی قرار داده است و به تدریج افراد دارای تحصیلات دانشگاهی سهم بالایی از جمعیت فعال را به خود اختصاص خواهند داد.

نمودار ۶. افزایش جمعیت فعال به تفکیک تحصیلات



مأخذ: همان.

در بخش بعد نشان داده خواهد شد که بخش عمده افراد تحصیلکرده‌ای که به بازار کار وارد شده‌اند توانسته‌اند شاغل شوند. بنابراین می‌توان این افزایش مشارکت افراد دارای تحصیلات دانشگاهی را ناشی از کاهش دستمزد آستانه آنها برای شاغل شدن تحلیل کرد که احتمالاً از نرخ‌های بالای بیکاری افراد تحصیلکرده اثر پذیرفته است، به این معنا که با توجه به نرخ بیکاری بالای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، این افراد حاضر شده‌اند در دستمزدهای پایین‌تری مشغول به کار شوند. بررسی نرخ‌های مشارکت نیز نشان می‌دهد با وجود افزایش نرخ مشارکت در تمامی گروه‌ها، افزایش نرخ مشارکت برای جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی به مراتب بیشتر بوده است.^۱

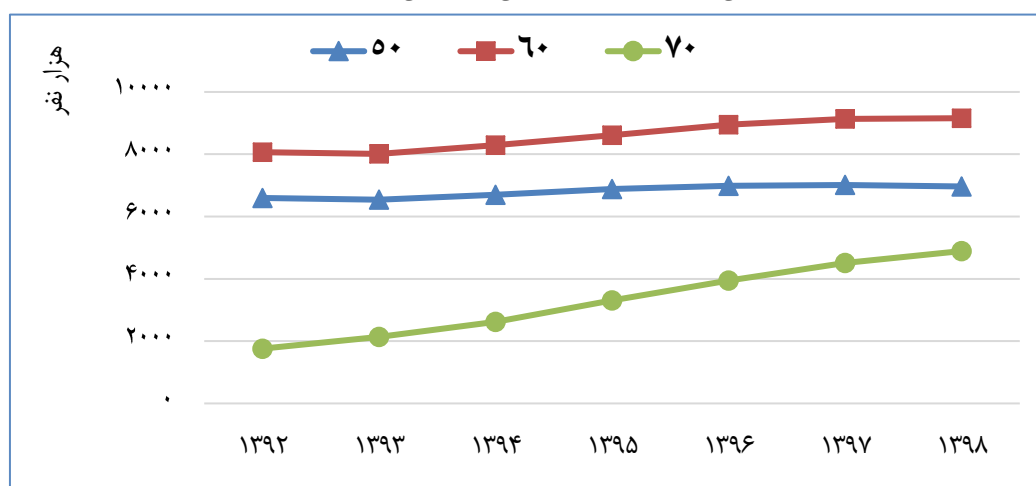
۴. گروه‌های سنی: نکته قابل توجه درخصوص جمعیت فعال وارد شده به بازار کار، نقش پُرنرگ جوانان متولد دهه ۷۰ است. در نمودار ۷ روند افزایش جمعیت فعال در بین متولدین دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ ترسیم شده است. جمعیت فعال متولدین دهه ۶۰ طی دوره مورد بررسی حدود یک میلیون نفر افزایش یافته است.

۱. همان.



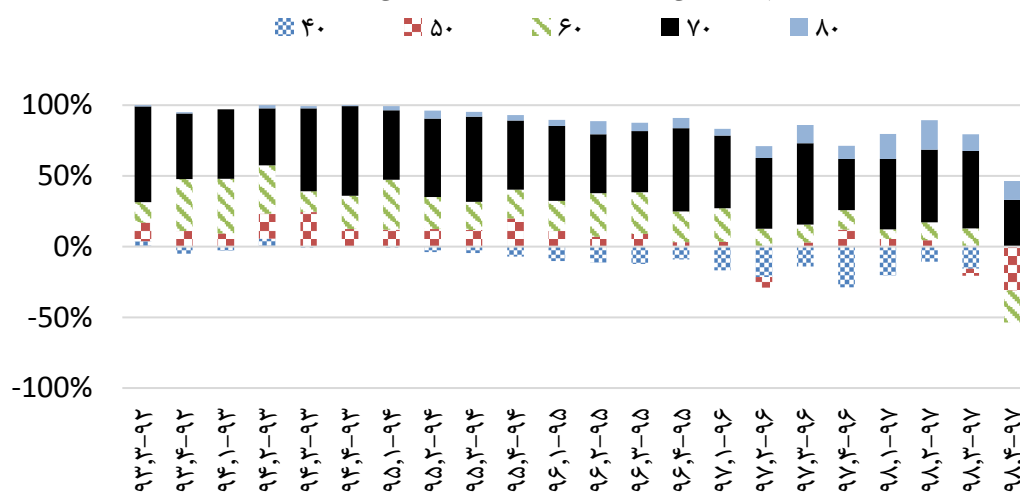
در حالی که جمعیت متولدین دهه ۷۰ حدود ۳ میلیون نفر افزایش یافته است. بررسی نرخ‌های مشارکت متولدین دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ نیز نشان می‌دهد متولدین دهه ۷۰ بیشترین افزایش نرخ مشارکت را طی این دوره داشته‌اند. نمودار ۸ نیز به‌نحو دیگری این موضوع را نشان می‌دهد. در نمودار ۸ سهم گروه‌های سنی مختلف (متولدین دهه‌های ۴۰ تا ۸۰) از افزایش جمعیت فعال در فصول مختلف دوره اخیر ترسیم شده است. براساس نتایج این نمودار بیش از ۶۰ درصد از جمعیت اضافه شده به جمعیت فعال در این دوره را متولدین دهه ۷۰ و حدود ۳۰ درصد را نیز متولدین دهه ۶۰ تشکیل می‌دهند. بنابراین افزایش جمعیت فعال طی این دوره بیشتر متأثر از افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت جوانان متولدین دهه ۷۰ است.

نمودار ۷. روند افزایش جمعیت فعال در بین متولدین دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰



مأخذ: همان.

نمودار ۸. سهم متولدین دهه‌های ۴۰ تا ۸۰ از افزایش جمعیت فعال - درصد



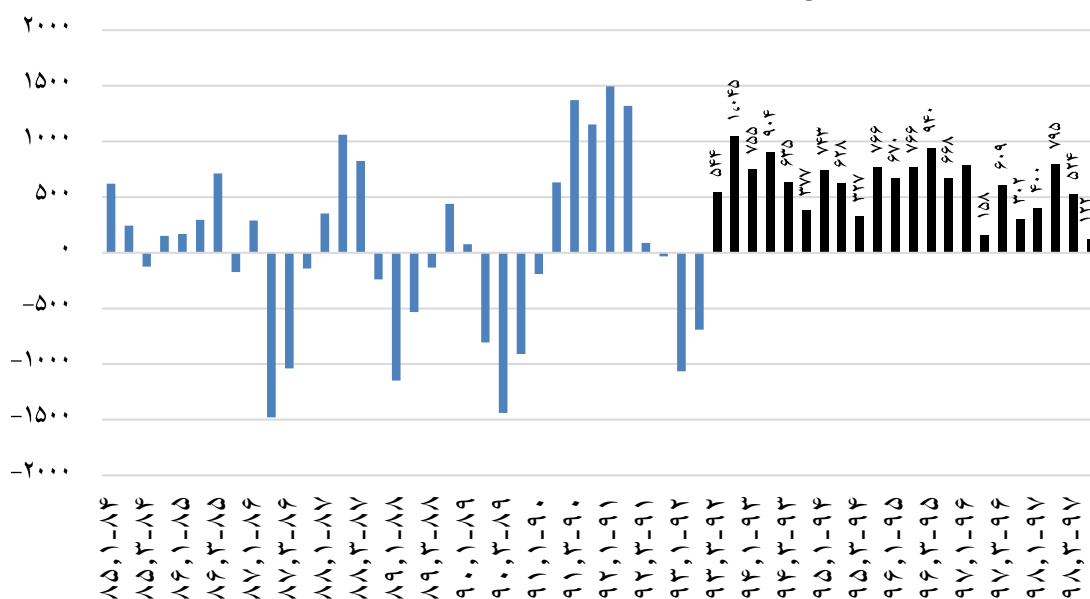
مأخذ: همان.

درمجموع افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت طی پنج سال اخیر تحولی است که زنان، جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی و متولدین دهه ۷۰ نقش پُرننگی در ایجاد آن داشته‌اند، همچنین تحول یاد شده پدیده‌ای عمدتاً شهری است که با وجود فراگیر بودن آن در کل کشور، در برخی استان‌ها این افزایش به مراتب بیش از استان‌های دیگر بوده است.

۲-۲. جمعیت شاغل

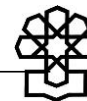
در بخش قبل توضیح داده شد که از فصل پاییز سال ۱۳۹۳ تا اواخر سال ۱۳۹۸ تغییری بنیادی در برخی روندهای بازار کار کشور رخ داده است که از آن جمله به افزایش نرخ مشارکت و جمعیت فعال اشاره شد. اما این روندها در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۸ و ابتدای سال ۱۳۹۹ با بروز کرونا ناگهان به پایان رسید. البته روندهایی هم که طی می‌شد به تدریج در حال افول بود و پیش‌بینی می‌شد تغییرات دوره مذکور به تدریج به پایان برسد. اما بروز کرونا این زنجیره را ناگهان قطع کرد. یکی از مهم‌ترین روندهایی که در انتهای این دوره به پایان رسید روند اشتغال‌زایی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ بود.

نمودار ۹. افزایش جمعیت شاغل در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل



مأخذ: همان.

طی این دوره بیش از ۷۰ درصد جمعیت اضافه شده به جمعیت فعال، شاغل شدند. نمودار ۹ نشان می‌دهد طی پنج سال و نیم منتهی به زمستان ۱۳۹۸ همواره جمعیت شاغل افزایش یافته است. به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل ۶۲۱ هزار نفر به جمعیت شاغل اضافه شده است.



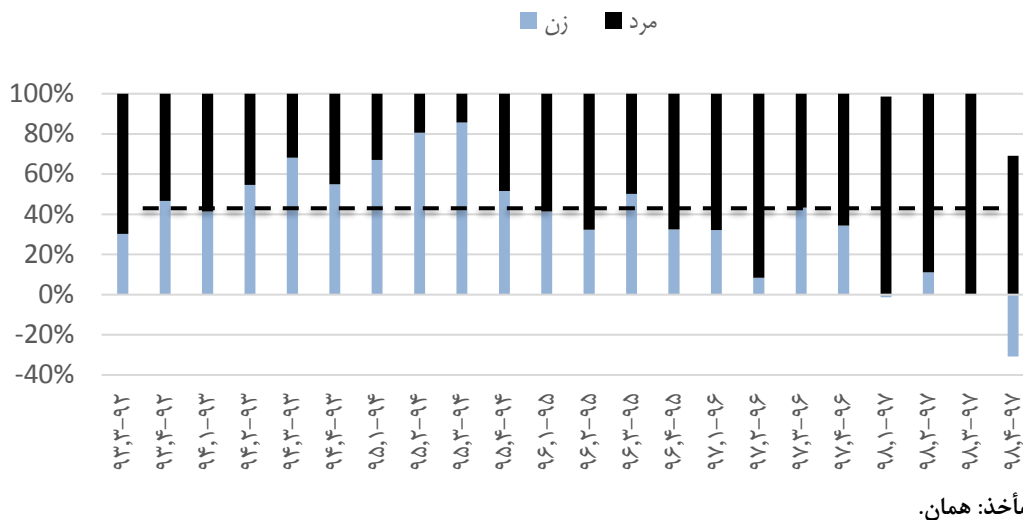
اضافه شدن حدود ۳ میلیون نفر طی پنج سال به جمعیت شاغل کشور رخداد بسیار مهمی است. البته در شرایطی این اتفاق رخ داد که انتظار چنین عملکردی برای افزایش اشتغال غیرممکن می‌نمود. همان‌طور که ذکر شد تمرکز این گزارش بر بررسی دقیق‌تر کمیت و کیفیت مشاغل ایجاد شده طی این دوره قرار داده شده است. چراکه با توجه به وضعیت نه‌چندان مطلوب اقتصادی و عدم ارتقای معنادار کیفیت سیاستگذاری طی این دوره نسبت به دوره‌های گذشته، افزایش ۳ میلیون نفری جمعیت شاغل در فاصله پنج سال، سبب ایجاد سؤال‌های زیادی در خصوص کیفیت این مشاغل شده است.

این بخش شامل دو قسمت است. در قسمت اول سؤال این است که شاغلان اضافه شده دارای چه ویژگی‌هایی هستند و در قسمت دوم سؤال در خصوص ویژگی‌های مشاغل اضافه شده است. در قسمت اول مشابه بخش قبل، چهار ویژگی: ۱. جنسیت، ۲. شهری - روستایی، ۳. افراد دارای تحصیلات دانشگاهی یا غیردانشگاهی و ۴. گروه‌های سنی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نشان داده شود که افزایش جمعیت شاغل در این دوره عمدتاً ناشی از اشتغال چه گروه‌هایی بوده است. با توجه به شباهت این قسمت به نتایج بخش قبل، مطالب آن به اختصار ارائه می‌شود. در قسمت دوم به ویژگی‌های مشاغل اضافه شده پرداخته می‌شود. در قسمت دوم پنج ویژگی: ۱. پوشش بیمه، ۲. اندازه بنگاه، ۳. بخش اقتصادی، ۴. اشتغال ناقص و ۵. وضعیت شغلی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با مطالعه شواهد موجود پیرامون این موارد می‌توان تصویر بهتری از کیفیت مشاغل اضافه شده طی دوره مذکور به‌دست آورد.

۱-۲-۲. ویژگی‌های شاغلان اضافه شده به بازار کار

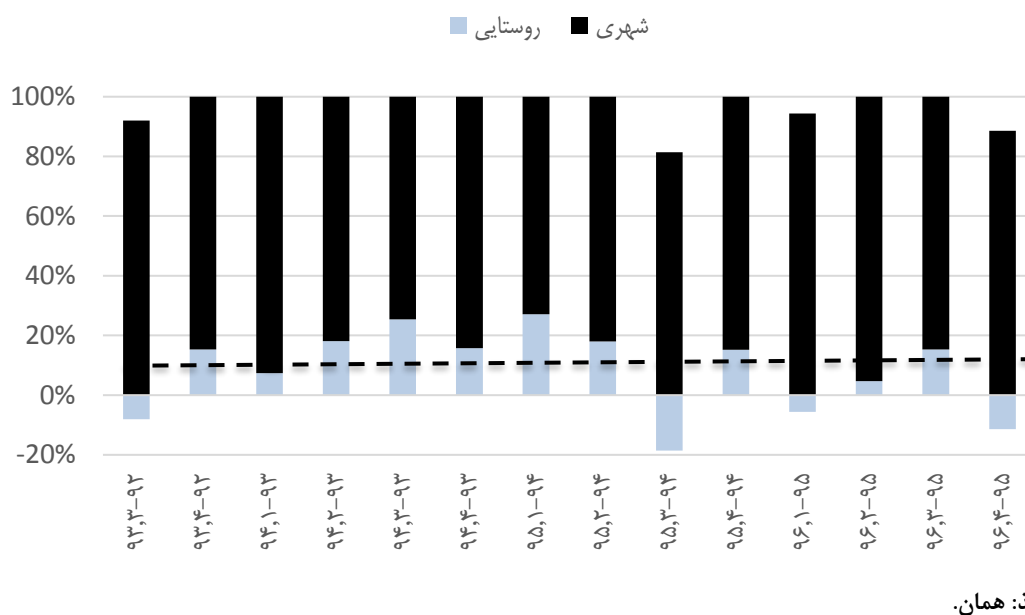
خلاصه بررسی‌های انجام شده در خصوص ویژگی‌های پنجگانه شاغلان اضافه شده این دوره به شرح زیر است: به‌طور متوسط حدود ۴۱ درصد از شاغلان اضافه شده به بازار کار، زنان بوده‌اند (نمودار ۱۰) و البته در برخی از فصول، به‌خصوص در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ این سهم به بیش از ۶۰ درصد هم رسیده است. این در حالی است که ساختار شاغلان کشور از نظر جنسیت بسیار متفاوت است و به‌طور متوسط ۱۷ درصد شاغلان را زنان تشکیل می‌دهند.^۱ لذا از نظر جنسیتی ترکیب شاغلان جدید تفاوت عمده‌ای با ساختار اشتغال دارد و در صورت تداوم این موضوع (در بعد از دوره کرونا) به تدریج سهم زنان از اشتغال کشور افزایش خواهد یافت.

نمودار ۱۰. سهم زنان و مردان از افزایش اشتغال در ۲۲ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ (درصد)



نزدیک به ۹۰ درصد افزایش تعداد شاغلان در دوره مورد بررسی، مربوط به افزایش اشتغال در جمعیت شهری بوده است (نمودار ۱۱). در حالی که بیش از ۳۰ درصد شاغلان کشور را روستاییان تشکیل می‌دهند.^۱ لذا از این نظر نیز تغییر ترکیب شاغلان کشور سرعت گرفته و سهم جمعیت شهری از شاغلان کشور (که در سال‌های قبل نیز در حال افزایش بود) با سرعت بیشتری افزایش یافته است.

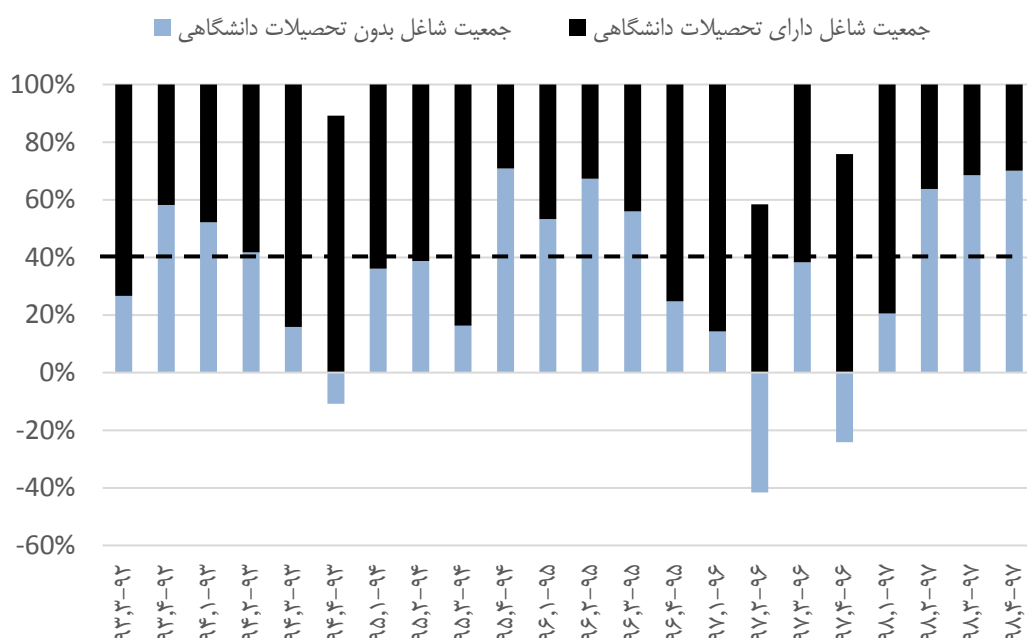
نمودار ۱۱. سهم جمعیت شهری و روستایی از افزایش اشتغال در ۲۲ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ (درصد)





از بُعد تحصیلات نیز تحولات اخیر قابل توجه است. بیش از ۶۰ درصد از افزایش جمعیت شاغل در این دوره دارای تحصیلات دانشگاهی هستند (نمودار ۱۲) در صورتی که با وجود رشد قابل توجه جمعیت دانشگاهی در نیمه دوم دهه ۸۰، سهم جمعیت شاغل دارای تحصیلات دانشگاهی از ۱۴ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۵/۶ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده بود، اما در فصول اخیر افزایش سهم شاغلان دارای تحصیلات دانشگاهی سرعت بیشتری به خود گرفته است و طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ نزدیک به ۱/۹ میلیون نفر به جمعیت شاغل دارای تحصیلات دانشگاهی افزوده شده است، در حالی که این رقم برای جمعیت بدون تحصیلات دانشگاهی حدود ۱/۱ میلیون نفر بوده است. بنابراین از نظر ساختار تحصیلی نیز جمعیت شاغل افزوده شده کاملاً متفاوت با جمعیت موجود شاغل بوده است.

نمودار ۱۲. تغییرات جمعیت شاغل در ۲۲ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ به تفکیک تحصیلات (درصد)

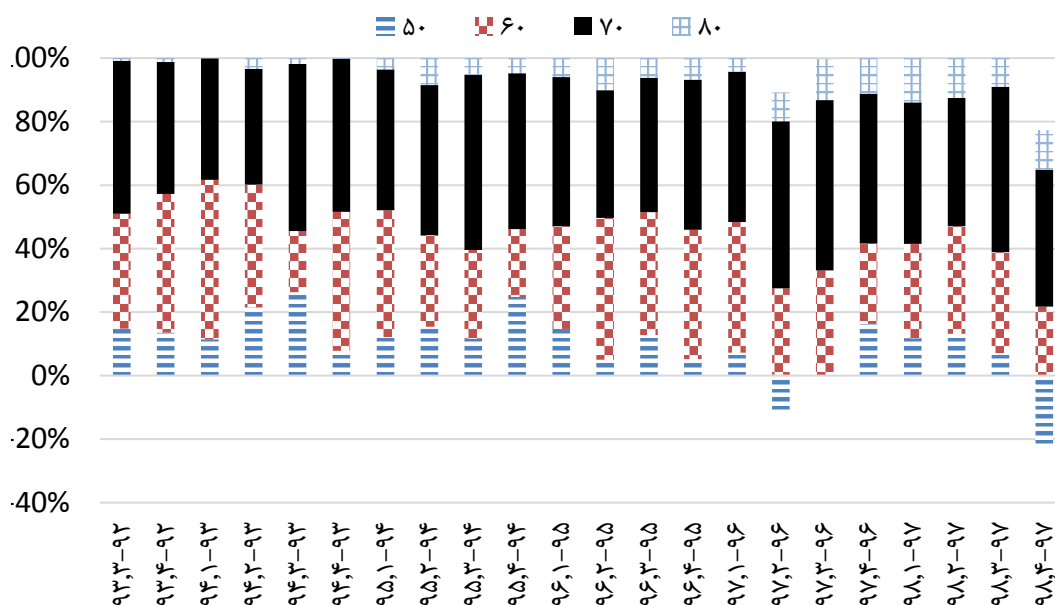


مأخذ: همان.

مشابه تحولات جمعیت فعال، جوانان دهه ۷۰ بیشترین سهم را در افزایش اشتغال در ۲۲ فصل گذشته داشته‌اند (۴۷ درصد) و دهه شصتی‌ها نیز با ۳۵ درصد سهم بالایی در افزایش اشتغال داشته‌اند (نمودار ۱۳). پیش‌تر مشاهده شد که متولدین دهه ۷۰ و ۶۰ به ترتیب ۶۰ و ۳۰ درصد از افزایش جمعیت فعال را تشکیل می‌دادند (نمودار ۸). اما درخصوص افزایش جمعیت شاغل، سهم متولدین دهه ۷۰ کاهش و سهم متولدین دهه ۶۰ افزایش یافته است. این نشان می‌دهد متولدین دهه ۶۰ طی دوره اخیر در یافتن شغل موفق‌تر بوده‌اند و سهم کمتری از افرادی که به بازار کار وارد شده‌اند (در مقایسه با متولدین دهه ۷۰) بیکار مانده‌اند. همان‌طور که توضیح داده شد این موضوع می‌تواند از کاهش دستمزد آستانه این

افراد برای جلوگیری از بیکار ماندن نشست گرفته باشد. بدین معنا که با تعدیل انتظارات شغلی خود از بازار کار، شاغل شدن حتی در مشاغل کم کیفیت را بر بیکار ماندن طولانی مدت ترجیح داده‌اند.

نمودار ۱۳. سهم متولدین دهه‌های مختلف از افزایش اشتغال در ۲۲ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ (درصد)



مأخذ: همان.

از منظر استانی نیز ابتدا باید به این نکته توجه داشت که بیشترین مشاغل در استان تهران ایجاد شده که از این نظر یک شکاف بین استان‌های مختلف دیده می‌شود. اما اگر افزایش اشتغال نسبت به جمعیت شاغل یا کل جمعیت هر استان مبنای مقایسه قرار گیرد، استان‌های دیگری نیز در صدر قرار می‌گیرند و استان تهران به رتبه‌های پایین‌تری نزول می‌کند.

۲-۲-۲. ویژگی‌های مشاغل اضافه شده

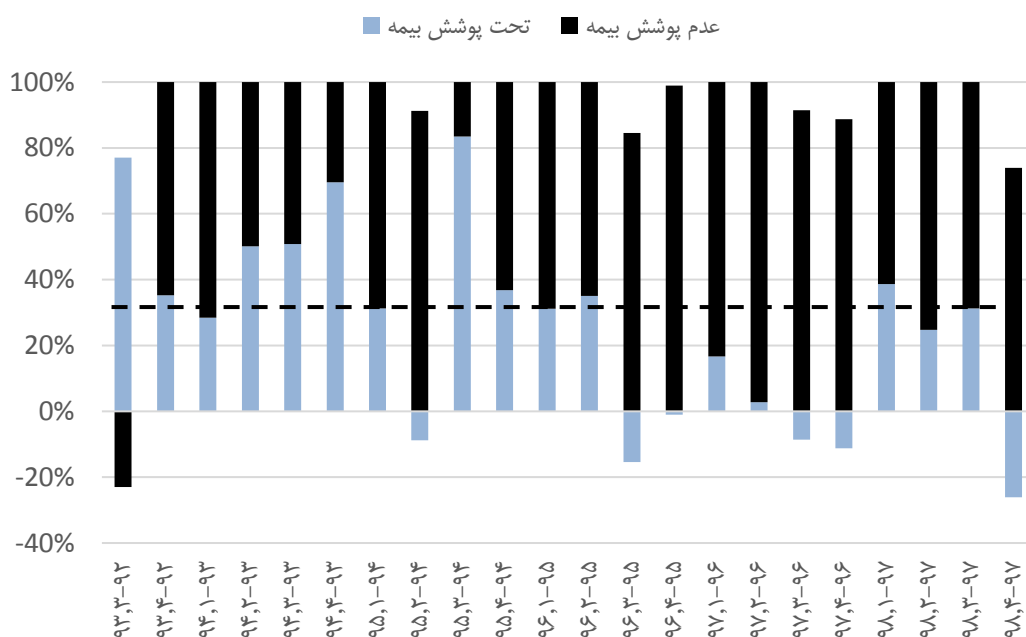
همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد در این بخش ویژگی‌های مشاغل اضافه شده در این دوره برپایه: ۱. پوشش بیمه، ۲. اندازه بنگاه، ۳. بخش اقتصادی، ۴. اشتغال ناقص و ۵. وضعیت شغلی در مقایسه با ساختار بازار کار کشور طی سال‌های اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در نهایت تحولات فصول اخیر نمایان‌تر شود. ۱. پوشش بیمه: دارا بودن بیمه به واسطه شغل می‌تواند از جمله نشانه‌های کیفیت شغل و پایداری آن باشد. بر این اساس در این بخش وضعیت شاغلان اضافه شده به بازار کار طی ۲۲ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ از منظر دارا بودن بیمه به واسطه شغل آنها مورد بررسی قرار گرفته است. بررسی انجام شده نشان می‌دهد

۱. از زمانی که بازار کار وارد دوره جدیدی از تحولات خود شد تا زمان وقوع کرونا و تغییر مجدد روندهای بازار کار.



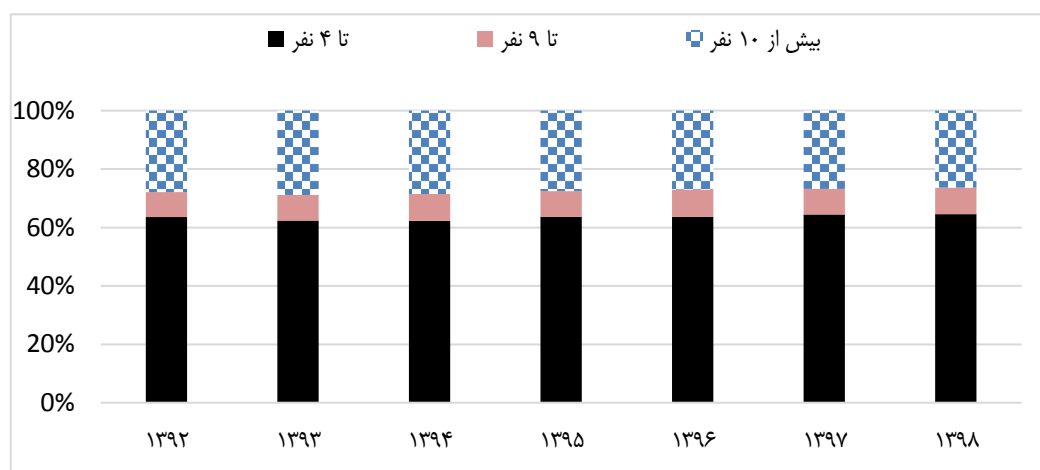
در ۲۲ فصل مورد بررسی به‌طور متوسط ۲۸ درصد شاغلان اضافه شده به جمعیت شاغل دارای پوشش بیمه به‌واسطه شغل خود بوده‌اند و ۷۲ درصد در مشاغلی مشغول به کار شده‌اند که دارای بیمه نبوده است (نمودار ۱۴). براساس آمارهای طرح نیروی کار طی سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ حدود ۴۰ درصد از شاغلان کشور دارای پوشش بیمه بوده‌اند و به تدریج این سهم در حال افزایش بوده است. بنابراین تحولات فصول اخیر در خصوص پوشش بیمه مشاغل اضافه شده یک تغییر جهت نسبت به گذشته محسوب می‌شود. بدین معنا که از نظر پوشش بیمه مشاغل اضافه شده دارای کیفیت پایین‌تری نسبت به ساختار بازار کار و روند گذشته آن هستند. براساس نمودار ۱۴ در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ هم‌زمان با کاهش میزان اشتغال‌زایی، سهم افرادی که در مشاغل دارای بیمه شاغل شده‌اند کاهش یافته است. این موضوع نشان می‌دهد اشتغال‌زایی در موقعیت‌های شغلی باکیفیت (از منظر دارا بودن بیمه) کاهش یافته و غالب مشاغل ایجاد شده تحت پوشش بیمه به‌واسطه شغل فرد نبوده‌اند.

نمودار ۱۴. تغییرات اشتغال در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل به تفکیک پوشش بیمه (درصد)



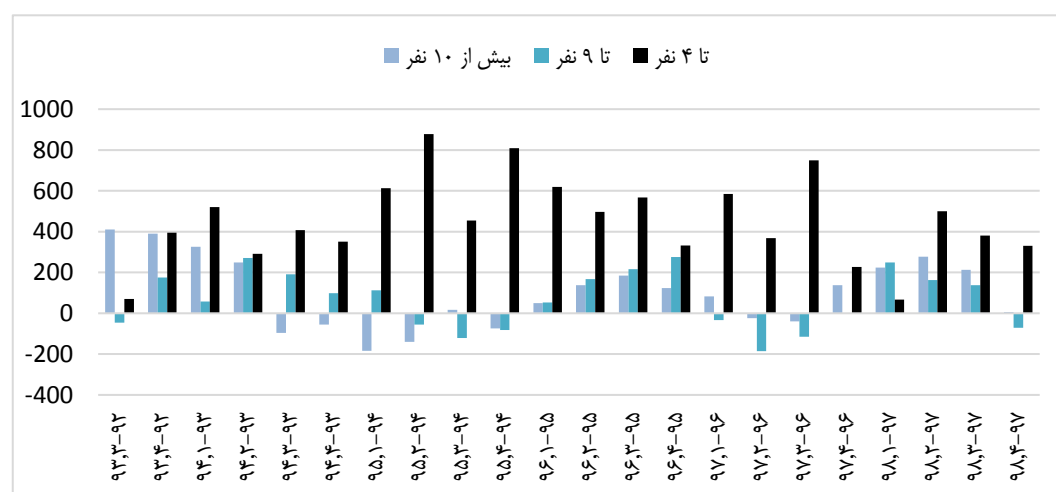
که در این نمودار مشاهده می‌شود به تدریج سهم بنگاه‌های دارای ۱ تا ۴ کارکن از سهم اشتغال افزایش یافته و نقش این بنگاه‌ها در ایجاد اشتغال بیشتر شده است. نمودار ۱۶ این موضوع را به نحو بهتری نشان می‌دهد. در این نمودار مشاهده می‌شود که بنگاه‌های دارای ۱ تا ۴ کارکن در غالب فصول دوره مورد بررسی بیشترین سهم را در ایجاد اشتغال داشته‌اند، به طوری که در این دوره به طور متوسط ۷۵ درصد اشتغال ایجاد شده در بنگاه‌های ۱ تا ۴ کارکن محقق شده است. حتی در برخی فصول تمامی مشاغل اضافه شده ناشی از افزایش اشتغال در بنگاه‌های دارای ۱ تا ۴ کارکن بوده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد اشتغال اضافه شده طی فصول اخیر غالباً ناشی از ایجاد اشتغال در بخش‌های غیرشرکتی و کاربر بوده و در اثر این رویداد به تدریج سهم بنگاه‌های دارای ۱ تا ۴ کارکن از سهم اشتغال افزایش یافته است.

نمودار ۱۵. ساختار اشتغال به تفکیک اندازه بنگاه‌ها



مأخذ: همان.

نمودار ۱۶. افزایش اشتغال به تفکیک اندازه بنگاه‌های اقتصادی (هزار نفر)



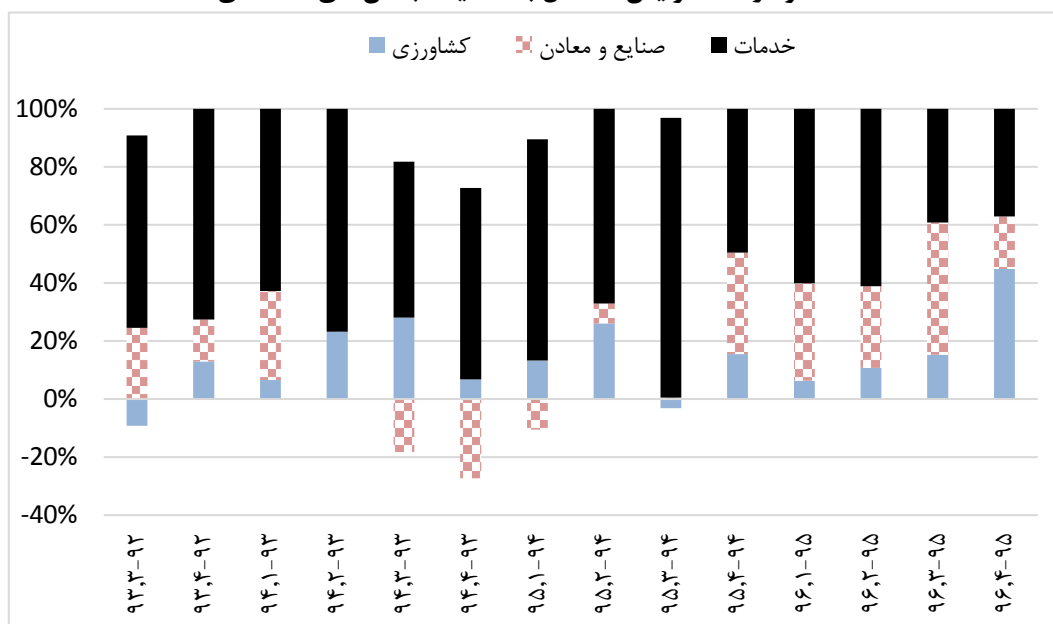
مأخذ: همان.



۳. **بخش‌های اقتصادی:** طی سال‌های گذشته بخش خدمات ۵۵ تا ۶۰ درصد اشتغال کشور را به خود اختصاص داده بود. اما تحولات اخیر باعث شده سهم این بخش از اشتغال کشور افزایش یابد و به بیش از ۶۰ درصد برسد. چراکه اشتغال اضافه شده طی سال‌های اخیر غالباً در بخش خدمات بوده است. نمودار ۱۷ نشان می‌دهد در غالب فصول سهم بخش خدمات از اشتغال اضافه شده بیش از ۶۰ درصد بوده و در برخی از فصول سهم این بخش به بیش از ۸۰ درصد رسیده است.

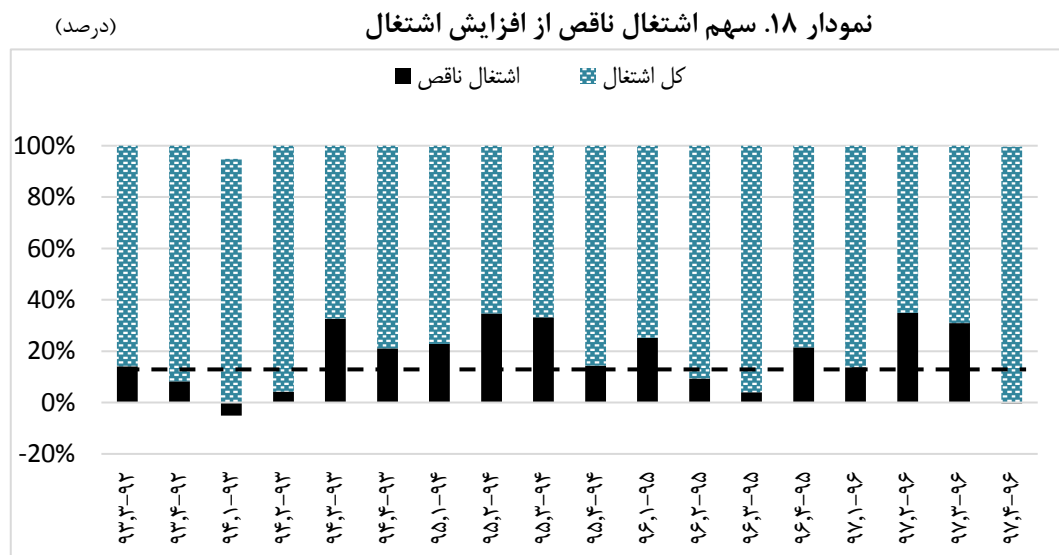
بنابراین تاکنون این نتیجه حاصل شده است که افزایش اشتغال طی ۲۲ فصل منتهی به سال ۱۳۹۸ عمدتاً در بخش خدمات و بنگاه‌های بسیار کوچک بوده که سهم کمتری از آنان (نسبت به گذشته) دارای پوشش بیمه به واسطه شغل خود بوده‌اند.

نمودار ۱۷. افزایش اشتغال به تفکیک بخش‌های اقتصادی



پس از چرخش روند شاخص‌های بازار کار هستیم، بررسی سهم اشتغال ناقص از مشاغل ایجاد شده حاوی اطلاعات مفیدی درخصوص کیفیت مشاغل ایجاد شده خواهد بود.

سهم اشتغال ناقص از کل اشتغال کشور در سال‌های اخیر حدود ۹ درصد بوده، بدین معنا که ۹ درصد تعداد شاغلان کشور برخلاف تمایل خود در هفته کمتر از ۴۴ ساعت کار می‌کنند. اما نتایج محاسبات در فصول اخیر بیانگر این موضوع است که متوسط سهم اشتغال ناقص از اشتغال اضافه شده بیش از ۱۷ درصد است (نمودار ۱۸). لذا ۱۷ درصد از شاغلان اضافه شده به بازار کار در هفته کمتر از ۴۴ ساعت کار می‌کنند، اما تمایل دارند ساعات بیشتری کار کنند. این تفاوت بین ساختار بازار کار کشور و اشتغال اضافه شده در فصول اخیر از منظر اشتغال ناقص، نشان می‌دهد بخشی از مشاغل ایجاد شده از کیفیت قابل قبولی برای شاغلان برخوردار نیست و تمایل دارند در شغل‌های پایدارتری مشغول به کار شوند.



مأخذ: همان.

۵. وضعیت شغلی: در طرح آمارگیری از نیروی کار وضعیت شغلی افراد به طبقاتی مانند کارفرما، کارکن مستقل، مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی و تعاونی، مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی، کارکن فامیلی بدون مزد و کارآموز تقسیم‌بندی می‌شود. تحلیل وضعیت شغلی در شناخت تحولات بازار کار بسیار مهم است. چراکه میزان اشتغال‌زایی بخش‌های خصوصی و عمومی از نتایج تحلیل این مؤلفه به دست می‌آید، همچنین تحولات اشتغال کارکنان فامیلی بدون مزد یا کارکنان مستقل می‌تواند تصویر بهتری از شرایط بازار کار ارائه نماید.

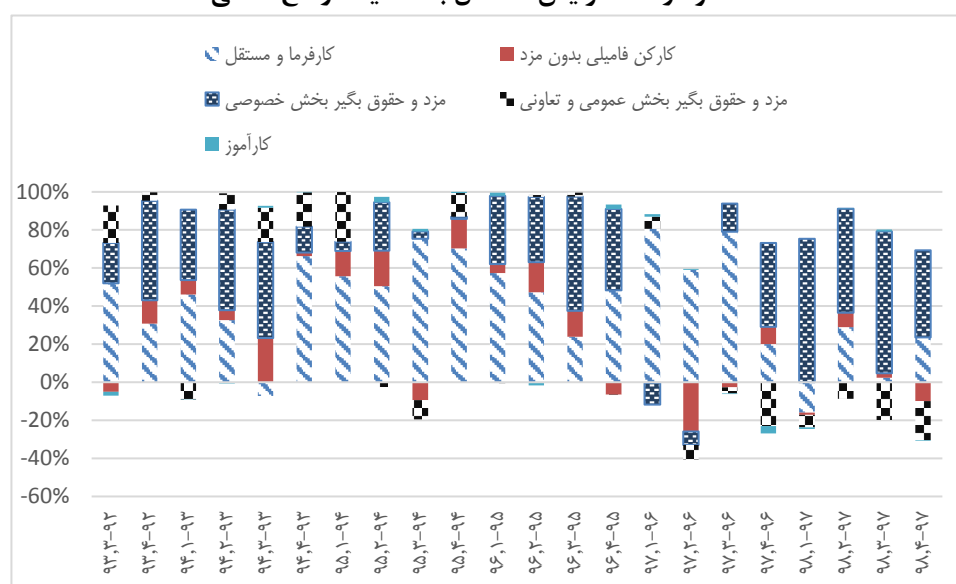
بررسی‌های انجام شده درخصوص وضعیت شغلی افراد نشان می‌دهد ساختار اشتغال کشور از این منظر وضعیت مشخص و کم‌نوسان طی سال‌های گذشته داشته است. بدین معنا که ۴۰ درصد از شاغلان



کشور را گروه کارفرما و کارکنان مستقل یعنی کسانی که مزد و حقوق‌بگیر نیستند و در بخش‌های غیرشرکتی مشغول به کار هستند تشکیل می‌دهند، نزدیک به ۴۰ درصد نیز مزد و حقوق‌بگیران بخش خصوصی هستند، بین ۱۵ تا ۱۸ درصد مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی و تعاونی و مابقی (حدود ۵ درصد) کارکنان فامیلی بدون مزد هستند.

اما در سال‌های اخیر و در مورد اشتغال اضافه شده، تمرکز بیشتر بر ایجاد شغل توسط کارکنان مستقل بوده است. این موضوع می‌تواند یکی از علل ملموس نبودن افزایش اشتغال در دوره اخیر باشد. چراکه مشاهده عمومی نیز تأیید می‌کند استخدام از جانب بنگاه‌های اقتصادی، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، تغییر قابل ملاحظه‌ای نسبت به گذشته نکرده است. لذا باور افزایش اشتغال، که عمدتاً ناشی از استخدام در بنگاه‌های اقتصادی تلقی می‌شود، دشوار خواهد بود. آمارها نیز نشان می‌دهد برداشت عمومی نسبتاً صحیح است. چراکه طی ۲۲ فصل منتهی به پایان سال ۱۳۹۸، سهم افزایش شاغلان دارای وضعیت شغلی کارکن مستقل از کل افزایش اشتغال این دوره بیش از ۵۰ درصد است و اگر فصول سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ را مورد بررسی قرار دهیم این سهم به آستانه ۷۰ درصد می‌رسد (نمودار ۱۹). بنابراین در فصول اخیر، افزایش اشتغال مبتنی بر ایجاد اشتغال توسط خود افراد بوده است. این مشاهده با نتایج بندهای قبلی نیز سازگار است. بدین معنا که اشتغال ایجاد شده مبتنی بر ایجاد اشتغال توسط خود افراد در اندازه‌های بسیار خرد (که ممکن است عمدتاً تک نفره باشند) و در بخش خدمات بوده که با توجه به عدم شمول چنین مشاغلی تحت قانون کار، پوشش بیمه نیز کمتر از دوره‌های قبل قابل مشاهده خواهد بود.

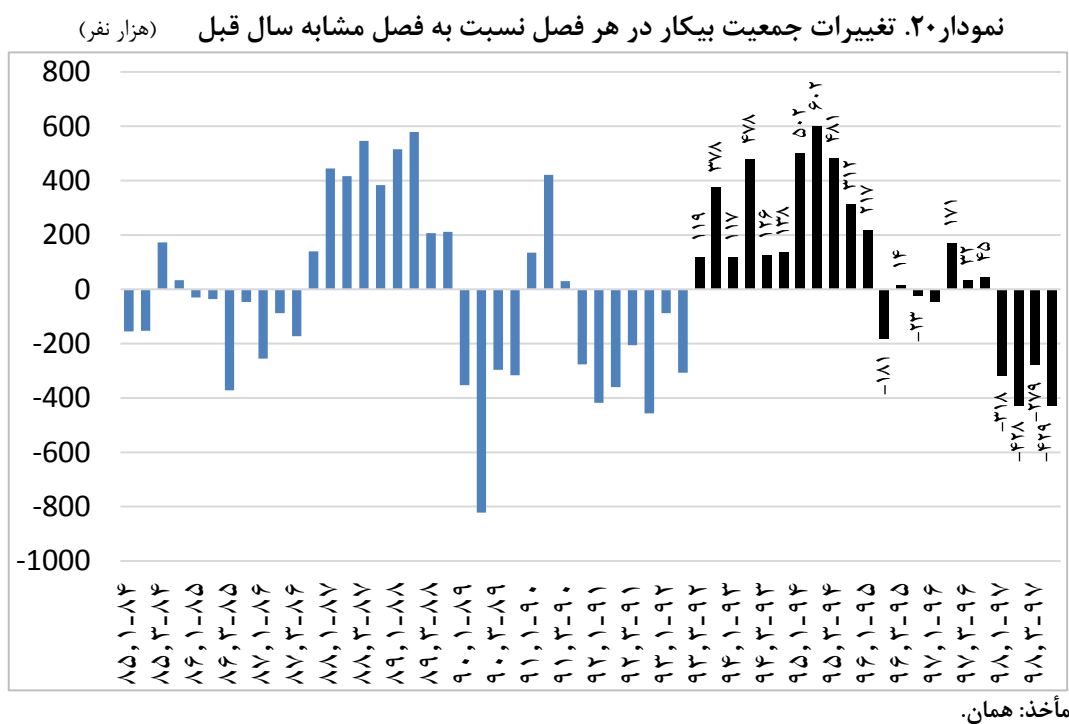
نمودار ۱۹. افزایش اشتغال به تفکیک وضع شغلی



مأخذ: همان.

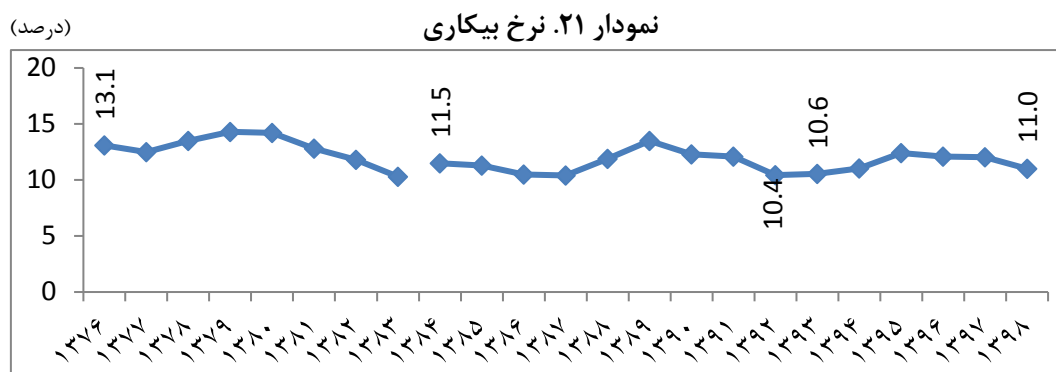
۲-۳. بیکاری

همان‌طور که در بخش اول گزارش توضیح داده شد نرخ مشارکت و جمعیت فعال پنج سال گذشته روندی افزایشی را طی کرده است. نتیجه آنکه طی این مدت به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۷۱۶ هزار نفر به بازار کار اضافه شده‌اند، یعنی نزدیک به ۳/۵ میلیون نفر طی پنج سال گذشته به جمعیت فعال افزوده شد. در چنین شرایطی اگر اقتصاد نتواند به میزان مورد نیاز شغل ایجاد نماید، تعداد بیکاران و نرخ بیکاری^۱ افزایش خواهد یافت. همان‌طور که در بخش قبل توضیح داده شد طی ۲۲ فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸ اشتغال در روند جدیدی قرار گرفته و به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل ۶۲۱ هزار نفر به جمعیت شاغل اضافه شده است. بر این اساس به‌طور متوسط در هر فصل حدود ۹۰ نفر به جمعیت بیکار اضافه شده‌اند. البته تا انتهای سال ۱۳۹۶ به‌دلیل افزایش زیاد جمعیت فعال تعداد بیکاران در هر فصل نسبت به فصل مشابه حدود ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافت. بنابراین در این دوره ابتدا نرخ بیکاری افزایش می‌یابد و در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ کاهش یافته است. در نمودارهای ۲۰ و ۲۱ این تحولات به‌خوبی قابل مشاهده است.



۱. نرخ بیکاری عبارت است از: نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰.

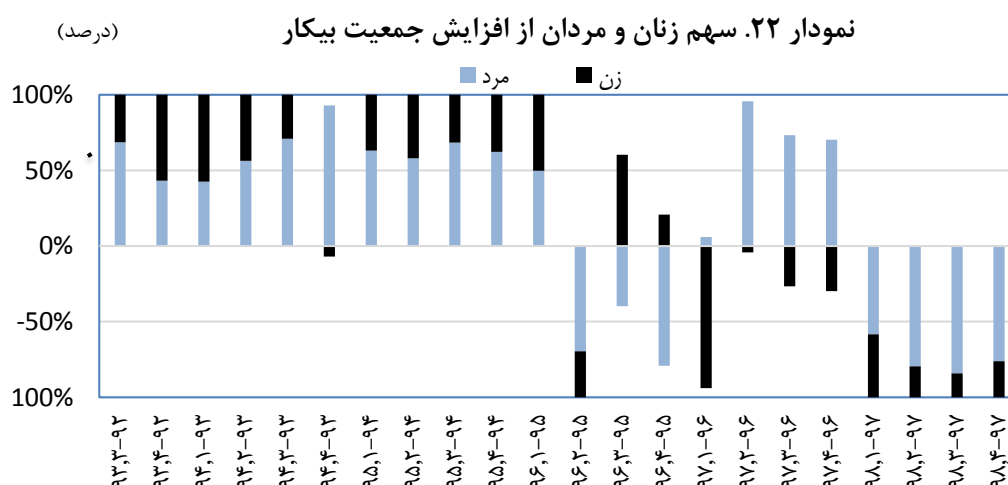
$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times 100$$



مأخذ: همان.

در ادامه گزارش به اختصار تغییر تعداد بیکاران و نرخ بیکاری در فاصله پاییز ۱۳۹۳ تا زمستان ۱۳۹۸ تحلیل می‌شود و نشان داده می‌شود این تحولات برای چه گروه‌هایی رخ داده است. مجدداً ویژگی‌های مورد بررسی همان موارد بررسی شده در بخش قبل شامل: ۱. جنسیت، ۲. شهری - روستایی، ۳. افراد دارای تحصیلات دانشگاهی یا افراد غیردانشگاهی و ۴. گروه‌های سنی خواهد بود.

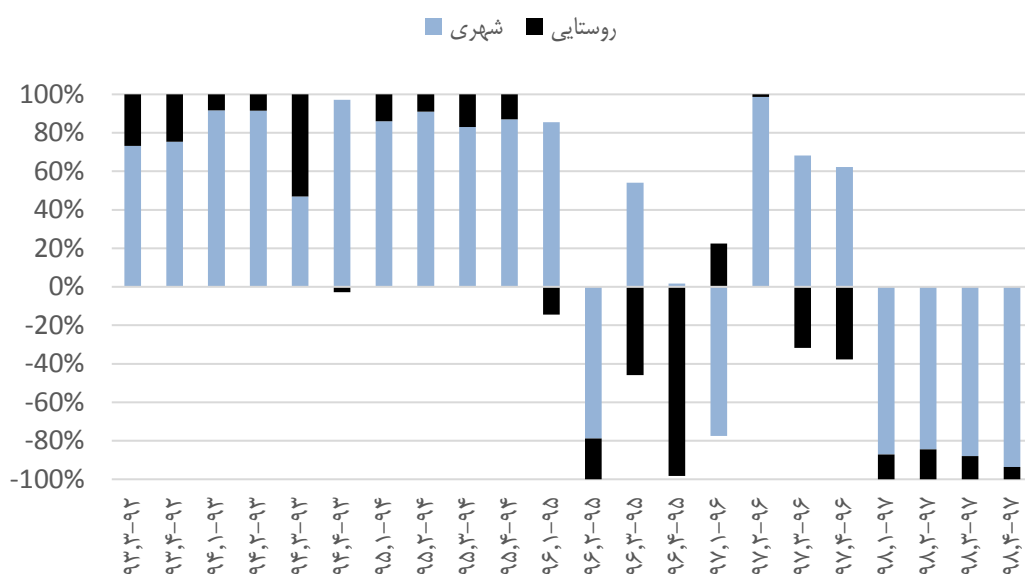
۱. جنسیت: سهم زنان در جمعیت بیکار بیش از سهم آنان در جمعیت شاغل است. همان‌طور که در بخش قبل مشاهده شد سهم زنان در جمعیت شاغل ۱۷ درصد بوده، با وجود این سهم آنان از جمعیت بیکار در حدود ۳۰ درصد بوده است. با افزایش سهم زنان از جمعیت فعال وارد شده به بازار کار طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶، به تدریج سهم آنان از جمعیت بیکار نیز رو به افزایش گذاشت. نمودار ۲۲ نشان می‌دهد طی فصل منتهی به زمستان ۱۳۹۸، ۴۴ درصد از تغییرات تعداد بیکاران، هم در دوره افزایش و هم در دوره کاهش مربوط به جمعیت بیکار زنان بوده است. بنابراین تمایز ویژه دوره مورد بررسی (۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸) نسبت به دوره‌های قبل حضور پررنگ زنان در بازار کار و نقش‌آفرینی آنان در تحولات بازار کار است.



مأخذ: همان.

۲. شهری - روستایی: آمار و اطلاعات نشان می‌دهد که نرخ بیکاری شهری در پاییز ۱۳۹۳، ۱۱/۷ درصد و در زمستان ۱۳۹۸، ۱۱/۴ درصد است. نرخ بیکاری روستایی در پاییز ۱۳۹۳، ۷/۴ درصد و در زمستان ۱۳۹۸، ۸/۴ درصد است. با توجه به اینکه جمعیت فعال اضافه شده در دوره مورد بررسی غالباً از جمعیت شهری بوده است، لذا انتظار می‌رود جمعیت اضافه شده به جمعیت شاغل و بیکار نیز تا حدودی از همان الگو پیروی کند. براساس نتایج نمودار ۲۳ بیش از ۸۰ درصد تحولات جمعیت بیکار طی دوره مورد بررسی در جمعیت شهری رخ داده است.

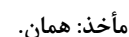
نمودار ۲۳. سهم جمعیت شهری و روستایی از تغییرات جمعیت بیکار (درصد)



مأخذ: همان.

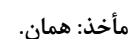
۳. تحصیلات: سهم افراد دارای تحصیلات دانشگاهی از جمعیت بیکار در یک روند افزایشی از ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده است.^۱ طی فصول اخیر سهم بالای افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در تغییرات جمعیت فعال سبب شده سهم این افراد از تغییرات جمعیت بیکار نیز بیشتر شود. به‌طوری که طی دوره مورد بررسی که در نمودار ۲۴ قابل مشاهده است، به‌طور متوسط حدود ۶۰ درصد از تغییرات جمعیت بیکار مربوط به بیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی بوده است. این موضوع سبب شده سهم بیکاران دارای تحصیلات دانشگاهی همچنان صعودی باشد و حدود ۵۰ درصد بیکاران کشور را جمعیت دانشگاهی تشکیل دهند. این موضوع نشان از عدم تطابق فاحشی در ویژگی‌های تحصیلی سمت عرضه و تقاضای بازار کار کشور دارد که خود را به‌صورت نرخ‌های بالای بیکاری افراد دارای تحصیلات دانشگاهی نشان داده است.

(د, صد)



۴. **گروه‌های سنی:** ترکیب بیکاری از نظر گروه‌های سنی بدین صورت است که تقریباً نیمی از جمعیت بیکار کشور را متولدین دهه ۶۰ تشکیل می‌دهند و حدود یک‌چهارم نیز متولدین دهه ۷۰ هستند، اما با توجه به ورود گسترده متولدین دهه ۷۰ به بازار کار در سال‌های اخیر و سهم ۶۰ درصدی آنان از افزایش جمعیت فعال در این مدت، سهم آنان از افزایش تعداد بیکاران نیز بیشتر شده است (نمودار ۲۵). نمودار ۲۵ نشان می‌دهد در برخی از فصول افزایش تعداد بیکاران تماماً تحت تأثیر افزایش تعداد بیکاران متولد دهه ۷۰ بوده است. همچنین نکته دیگر این نمودار کاهش تعداد بیکاران متولد دهه ۶۰ در برخی از فصول است، اما همچنان تعداد بیکاران متولدین دهه ۷۰ در همان دوره رو به افزایش بوده، زیرا جمعیت فعال متولدین دهه ۷۰ همچنان رو به افزایش بوده است.

(درصد)



با توجه به افزایش تعداد بیکاران و نرخ بیکاری طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶، نرخ بیکاری کل، زنان، جوانان و جوانان دارای تحصیلات دانشگاهی طی دوره مذکور در وضعیت نامطلوبی نسبت به سال‌های گذشته قرار گرفته است. البته طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ با کاهش محدود تعداد بیکاران قدری این نرخ‌ها تعدیل شده، اما همچنان نرخ‌های بیکاری گروه‌های نامبرده در وضعیت مناسبی قرار ندارد. به عنوان مثال نرخ بیکاری زنان جوان (۱۵ تا ۲۹ سال) در استان‌های کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری و ایلام در بازه ۷۵ تا ۸۵ درصد قرار دارد. این ارقام بیانگر یک وضعیت بسیار نامتعادل در بازار کار استان‌های مختلف کشور است و با وجود کاهش جزئی نرخ بیکاری طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ همچنان این ارقام نگران کننده و بحران‌زاست.

جمع‌بندی

- این گزارش در ادامه گزارش «بررسی تحولات مهم بازار کار ایران در دوره پاییز سال ۱۳۹۳ تا زمستان سال ۱۳۹۶» به بررسی تحولات بازار کار در دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۳ می‌پردازد. در این گزارش ابعاد مختلف و جزئیات تحولات ۲۲ فصل منتهی به زمستان سال ۱۳۹۸ - که دوره جدیدی در بازار کشور است - بررسی شده است. در این دوره روندهای متفاوتی در نرخ مشارکت و ایجاد اشتغال در بازار کار ایران ظهور می‌کند که نیازمند مطالعات دقیقی است. در این دو گزارش گام اولیه‌ای برای بررسی روندهای متفاوت این بازه زمانی برداشته شده است. نکته مهم آنکه این روندها در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۸ و ابتدای سال ۱۳۹۹ با بروز کرونا به پایان رسید. هرچند روندهایی که طی می‌شد به تدریج در حال افول بود و پیش‌بینی می‌شد تغییرات دوره مذکور به تدریج به پایان برسد. اما بروز کرونا سبب شد این زنجیره ناگهان قطع شود. لذا به نظر می‌رسد این دوره از تحولات بازار کار ایران فعلاً به پایان رسیده است. بنابراین زمان مناسبی است که با تدقیق در آمارهای بازار کار به شناخت بهتری از آنچه طی چند سال اخیر در میزان و ترکیب جمعیت شاغل و بیکار رخ داده است، برسیم.

- نقطه شروع تحولات دوره مورد بررسی فصل پاییز سال ۱۳۹۳ است؛ تا پیش از پاییز ۱۳۹۳ جمعیت فعال در دوره‌ای افزایش و در دوره‌ای دیگر کاهش می‌یافت. اما از پاییز ۱۳۹۳ به بعد و به مدت ۲۱ فصل (بجز فصل آخر که تحت تأثیر گسترش ویروس کرونا جمعیت فعال کاهش یافت)، در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل از آن، جمعیت فعال افزایش یافته است. لذا این تغییرات را نمی‌توان به عنوان نوسانات دوره‌ای، مانند نوسانات سال‌های قبل از آن، تفسیر کرد. بلکه از پاییز سال ۱۳۹۳ یک تغییر بنیادی در بازار کار کشور بروز کرده است که می‌توان از آن به عنوان دوره‌ای جدید یاد کرد. دوره‌ای که مشخصه آن تغییر تصمیم جوانان برای ورود به بازار کار و خارج نمودن از بازار کار



به منظور تحصیلات، خانه‌داری یا علل دیگر است. طی این دوره به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل از آن بیش از ۷۰۰ هزار نفر به جمعیت فعال اضافه شده‌اند. به این معنا که با برآورد مقادیر سالیانه، طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ حدود ۳/۵ میلیون نفر به جمعیت فعال کشور افزوده شده که در مقایسه با عدم افزایش جمعیت فعال در دهه قبل از آن، افزایش قابل ملاحظه‌ای است.

- بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد افزایش جمعیت فعال و نرخ مشارکت طی این بازه زمانی، تحولی است که زنان، جمعیت دارای تحصیلات دانشگاهی و متولدین دهه ۷۰ نقش پُررنگی در ایجاد آن داشته‌اند؛ همچنین تحول یاد شده پدیده‌ای عمدتاً شهری است که با وجود فراگیر بودن آن در کل کشور، در برخی استان‌ها شدت این تغییرات به مراتب بیش از استان‌های دیگر بوده است.

- اما تحول اساسی‌تر طی این دوره آن است که حدود ۸۵ درصد جمعیت اضافه شده به جمعیت فعال، شاغل شده‌اند. بررسی آمارهای بازار کار نشان می‌دهد طی پنج سال و نیم منتهی به زمستان ۱۳۹۸ همواره جمعیت شاغل افزایش یافته و به‌طور متوسط در هر فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۶۲۱ هزار نفر به جمعیت شاغل اضافه شده است (۳ میلیون نفر در طول دوره). اضافه شدن حدود ۳ میلیون نفر طی پنج سال به جمعیت شاغل کشور رخداد بسیار مهمی است. به‌خصوص آنکه در شرایطی این اتفاق رخ داده است که انتظار چنین عملکردی برای افزایش اشتغال غیرممکن می‌نمود.

- بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد افزایش اشتغال طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ عمدتاً در بخش خدمات و بنگاه‌های بسیار کوچک (دارای کمتر از چهار نفر کارکن) و با وضعیت شغلی «کارکن مستقل» بوده است که سهم کمتری از این اشتغال ایجاد شده (نسبت به گذشته) دارای پوشش بیمه به‌واسطه شغل خود بوده‌اند و سهم بیشتری (نسبت به گذشته) دارای اشتغال ناقص هستند و تمایل دارند شغل تمام‌وقتی داشته باشند.

- بنابراین اشتغالی که طی دوره مورد بررسی محقق شده، اشتغالی است که تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با ترکیب اشتغال کشور طی دهه قبل از دوره جدید دارد؛ زیرا از یک‌سو شاهد حضور پُررنگ‌تر زنان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی در بازار کار هستیم و از سوی دیگر اشتغال ایجاد شده اشتغالی است که نه توسط بخش دولتی یا شرکتی و کارخانه‌ای، بلکه توسط بخش غیرشرکتی و با تمرکز بر خدماتی مانند خُرده‌فروشی و عمده‌فروشی، تعمیرات، حمل‌ونقل، واسطه‌گری، خدمات مواد غذایی و... ایجاد شده است. گویا جوانان کشور به‌واسطه نیاز برای تأمین معیشت و در دوره‌ای که تقاضای نیروی کار توسط شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متوسط و بزرگ بسیار محدود بوده است، خود اقدام به ایجاد مشاغل و ارائه خدماتی برای گذران زندگی خود نموده‌اند. لذا این مشاغل که با وضعیت شغلی «کارکن مستقل» طبقه‌بندی می‌شود، دارای قرارداد به‌معنای متعارف بین بنگاه‌های اقتصادی و کارکنان خود نیستند و تحت پوشش بیمه قرار نمی‌گیرند. از طرفی ممکن است چنین مشاغلی از قابلیت مناسبی برای اشتغال تمام‌وقت افراد

برخوردار نباشد، از این رو شاهد افزایش سهم اشتغال ناقص در این دوره هستیم.

- بنابراین در سال‌های اخیر و در مورد اشتغال اضافه شده به جمعیت شاغل، تمرکز بیشتر بر ایجاد شغل توسط کارکنان مستقل بوده است. این موضوع می‌تواند یکی از علل ملموس نبودن افزایش اشتغال در دوره اخیر باشد، چراکه مشاهده عمومی نیز تأیید می‌کند که استخدام از جانب بنگاه‌های اقتصادی، چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، تغییر قابل ملاحظه‌ای نسبت به گذشته نکرده است، لذا باور افزایش اشتغال، که عمدتاً ناشی از استخدام در بنگاه‌های اقتصادی تلقی می‌شود، دشوار خواهد بود. آمارها نیز نشان می‌دهد که برداشت عمومی نسبتاً صحیح است و ایجاد اشتغال از طریق استخدام در بنگاه‌های بزرگ و بخش‌های متشکل و شرکتی یا در بخش دولتی بسیار محدود و حتی کاهشی بوده است. بالعکس طی ۲۲ فصل منتهی به پایان سال ۱۳۹۸، سهم افزایش شاغلان دارای وضعیت شغلی کارکن مستقل از کل افزایش اشتغال این دوره بیش از ۵۰ درصد است و اگر فصول سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ را مورد بررسی قرار دهیم این سهم به آستانه ۷۰ درصد می‌رسد. بنابراین در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸، افزایش اشتغال مبتنی بر ایجاد اشتغال توسط خود افراد بوده است؛ این مشاهده با نتایج بندهای قبلی نیز سازگار است. بدین معنا که اشتغال ایجاد شده مبتنی بر ایجاد اشتغال توسط خود افراد در اندازه‌های بسیار خرد (که ممکن است عمدتاً تک‌نفره باشند) و در بخش خدمات بوده است که با توجه به عدم شمول چنین مشاغلی تحت قانون کار، پوشش بیمه نیز کمتر از دوره‌های قبل قابل مشاهده خواهد بود.

- فارغ از کیفیت این مشاغل، که در این گزارش به تفصیل درخصوص آن بحث شده است، صرف شاغل شدن افراد و به‌خصوص جوانان امیدوارکننده بوده است، زیرا می‌توانند با کسب تجربه در بازار کار، به تدریج در مشاغل با کیفیت‌تری مشغول به کار شوند. این وضعیت وقتی امیدوارکننده است که با دهه قبل از آن مقایسه شود؛ دهه‌ای که جوانان زیادی نتوانستند وارد بازار کار شوند و لذا دچار بیکاری‌های بلندمدت (بیکاری بالاتر از ۱۲ ماه) شدند و نتوانستند تجارب شغلی مناسبی برای خود ببندوزند. چنین وضعیتی سبب مستهلک شدن سرمایه انسانی آنها خواهد شد و احتمال شاغل شدن آنان در دوره‌های بعدی را نیز کاهش می‌دهد. در گزارش اشاره شد که در سال‌های اخیر حدود ۴۰ درصد از بیکاران، متولدین دهه ۶۰ هستند، یعنی افرادی که بین ۳۰ تا ۳۹ سال سن دارند. آینده شغلی این افراد با ابهام‌های زیادی روبه‌رو است و ممکن است بخشی از آنان موفق به یافتن شغل نشوند. با چنین پیش‌زمینه‌ای، مشاهده روند افزایشی اشتغال یک تحول مثبت بود و باید تلاش می‌شد این روند حفظ شود. اما به تدریج شاهد کاهش توان اشتغال‌زایی اقتصاد با این نوع از اشتغال بودیم و پیش‌تر از این نیز به نظر می‌رسید این روند به‌زودی متوقف خواهد شد. بحران کرونا سبب شد که روند اشتغال‌زایی اقتصاد ایران دفعتاً قطع شود و به‌نوعی دوره سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ به پایان برسد.



- از سوی دیگر افزایش قابل توجه نرخ مشارکت و جمعیت فعال سبب شده بود این میزان افزایش اشتغال کافی نباشد و نرخ بیکاری در برخی از سال‌های این دوره روندی صعودی داشته باشد. به‌طوری‌که در فصل زمستان سال ۱۳۹۶ نرخ بیکاری کل به بالای ۱۲ درصد و نرخ بیکاری جوانان و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی به ارقام نامتعارف بالای ۵۰ درصد در برخی استان‌های کشور رسید. این وضعیت طبیعتاً نارضایتی در پی خواهد داشت. بروز بحران کرونا و تداوم آن نیز می‌تواند به چنین شرایطی در بازار کار دامن بزند. به‌خصوص که هم‌زمانی آن با تلاطمات شدید در بازارها و افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها، شرایط معیشتی بخش بزرگی از جامعه را تحت فشار قرار داده است.

- درنهایت همان‌طور که در جمع‌بندی گزارش «بررسی تحولات مهم بازار کار ایران در دوره پاییز سال ۱۳۹۳ تا زمستان سال ۱۳۹۶» اشاره شد «شرایط کنونی [بازار کار] بسیار ناپایدار است و اقدامات مخرب می‌تواند آغازکننده بحران‌هایی در نظام بانکی، بازار ارز و بودجه دولت باشد که بی‌ثباتی قابل ملاحظه‌ای را در سطح اقتصاد کلان ایجاد خواهند نمود و نقطه پایانی این بی‌ثباتی‌ها تخریب بنگاه‌های خردی خواهد بود که طی سال‌های مورد بررسی در این گزارش بار اصلی افزایش اشتغال برعهده آنها بوده است».



شناسنامه گزارش	شماره مسلسل: ۱۷۴۷۷
عنوان گزارش: بررسی تحولات بازار کار ایران طی دوره ۱۳۹۸-۱۳۹۳	
نام معاونت: مطالعات اقتصادی (گروه اقتصاد کلان و مدلسازی)	
تهیه و تدوین: مهران بهنیا	
همکار: فاطمه عزیزخانی	
ناظران علمی: محمدرضا عبداللہی، سیدمهدی بنی‌طبا، موسی شهبازی غیائی	
واژه‌های کلیدی:	
۱. بازار کار	
۲. اشتغال	
۳. بیکاری	
۴. اشتغال ناقص	
۵. نرخ مشارکت	
۶. کرونا	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۲/۵	

